

پارازیت اندازی و فرآورده ناخواسته «دیجی رافیتی»



بنا به تعریف اگر تصاویر لحظه‌ای و اتفاقی برآمده از تداخل نویز و سیگنال ماهواره در گیرنده‌های رادیو تلویزیونی را «دیجی رافیتی» (DigiRaffiti) بنامیم، می‌توانیم تفاوت‌های «گرافیتی» و «دیجی رافیتی» را در موارد و نکات زیر بازشناسیم:

- گرافیتی، تصویر یا نوشته‌ای ثابت روی دیوار یا روی بدنه قطار و اتوبوس است ولی «دیجی رافیتی»، شکلی است لحظه‌ای، کاملاً پویا، اتفاقی و در حال دگرگونی مدام، قابل رؤیت روی نمایشگر گیرنده‌های تلویزیونی متصل به تجهیزات ماهواره‌ای؛

- گرافیتی را معمولاً شهروندی گمنام خلق و نقاشی می‌کند، «دیجی رافیتی» را فیزیک امواج، علم مدارات الکترونیکی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مورد سوءاستفاده قرار گرفته توسط نهادهای گمنام حکومتی و سازمان‌های فرابخش دولتی و غیردولتی برنامه‌های ماهواره‌ای به وجود می‌آورد؛

- اولی، تا مدتی نسبتاً مدید ماندگار و قابل رؤیت در معابر و خیابان‌هاست، ولی دومی پدیده‌ای لحظه‌ای است که تنها به کمک نگاه زیبایی‌شناختی غیرمعمول به پارازیت، قابل شناسایی است و به یاری دوربین گوشی همراه (یا هر دوربین عکس‌برداری دیگری) توسط ...

MSP در خدمت رهبران تجاری

تصمیم‌گیری مناسب در زمینه تجارت با فناوری اطلاعات، کاری است که شما اغلب به عنوان یک رهبر تجاری انجام می‌دهید بنابراین شاید فکر کنید تا قبل از اتخاذ این تصمیمات، نیازی به تماس با خدمات پشتیبانی شبکه (MSP) نیست. درست است؟ خیر! دلایل زیادی وجود دارد که شما باید قبل از تصمیم‌گیری نهایی با خدمات پشتیبانی شبکه تماس بگیرید. در دوران معاصر، فناوری اطلاعات در بیشتر جنبه‌های یک تجارت، نقش گسترده‌ای دارد ...

در بیانیه نظام صنفی رایانه‌ای عنوان شد
درخواست از دولت جدید برای
توجه به ICT

فناوری‌های نوین اطلاعات و صنعت گردشگری

فناوری اطلاعات در دهه گذشته نقش مهمی در صنعت میهمان‌نوازی و جهانگردی داشته است. فناوری به کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی عملیاتی و بهبود خدمات و تجربه مشتری کمک کرده است. هم مشتریان و هم مشاغل می‌توانند از سیستم‌های ارتباطی، رزرو و خدمات میهمان بهره‌مند شوند. فناوری به صنایع گردشگری و میهمان‌نوازی کمک کرده تا نیروی کار گران‌قیمت را جایگزین نیروی کار فنی کند. این امر، کمک می‌کند هم هزینه‌های نیروی کار کاهش یابد و هم از مشکلات مربوط به مشتری جلوگیری شود. در اینجا چند نمونه از شیوه‌هایی که فناوری ...

جداسازی رگولاتوری دولتی از بخشی اولویت دولت سیزدهم باشد



در حال حاضر، جامعه اطلاعات ایران فاقد بسیاری از نهادهای لازم برای ساماندهی شبکه ملی اطلاعات است. حداقل، دو نهادی که به این منظور باید ایجاد می‌شدند: یکی مرجع رگولاتوری بخشی و دیگری مرجع رگولاتوری دولتی است، آن هم مجزا از یکدیگر! در این دو مورد باید به دولت سیزدهم هشدار داد که در دو مورد مذکور تاکنون هیچ اقدامی نشده است! جز پیچیده و پیچیده‌تر شدن آشوبناک مقررات توسط نهادهای کلنگی موازی در همه حوزه‌های اقتصاد ارتباطات و فناوری اطلاعات! می‌توان به نهادهای جامعه اطلاعات در دیگر کشورها نگاه کرد و فرضاً، مناسبات مقرراتی میان نهادهای جامعه اطلاعات در ایالات متحده را مورد شناسایی قرار داد....

عصر ارتباط را آنلاین بخوانید

اخبار آنلاین . آموزش . بررسی تخصصی



@asreertebatweekly



asreertebat.com



تیرماه ۱۴۰۰
۱۱ ذی‌قعدة - ۱۱ ذی‌حجة ۱۴۴۲
22 June - 22 July 2021

باغ‌های همیشه بهار

روایتی داستانی از زندگی امام محمد باقر (ع)
پدیدآور: علی اصغر عزتی پاك
ناشر: شركت انتشارات سوره مهر



آبی‌ها

پدیدآور: سعید تشکری
ناشر: به‌نشر



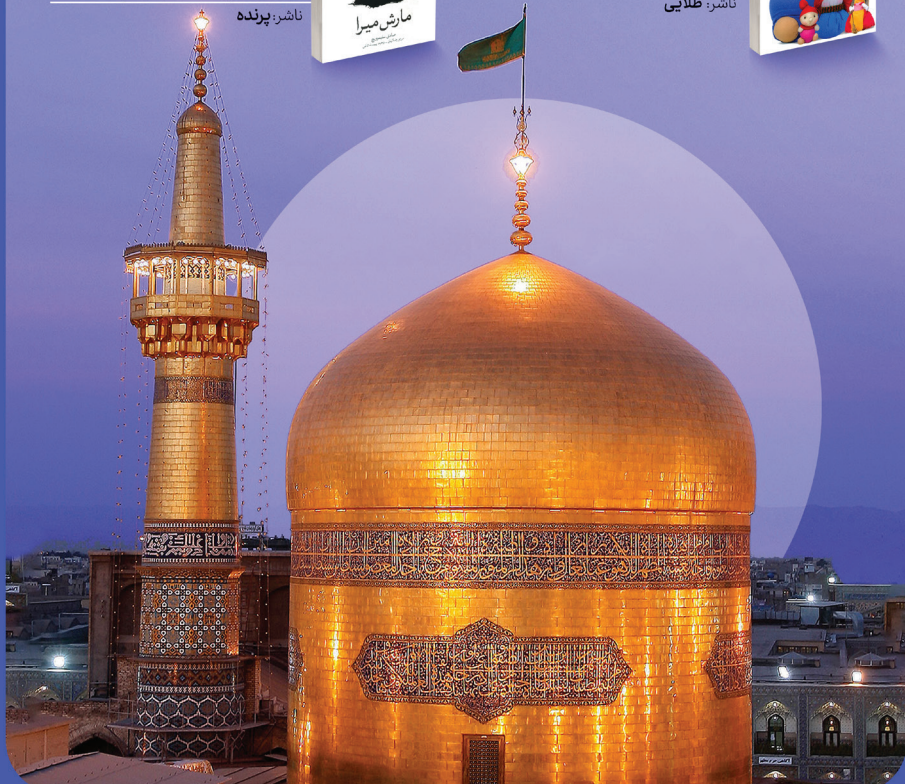
مارش میرا (جاده مرگ - جاده زندگی)

پدیدآور: صادق سلیموویچ
مترجم: مریم رضائیان، وحید پرست تاش
ناشر: پرزده



زنگ عروسک‌سازی

پدیدآور: زینب حسینیجانی
ناشر: طلایی



www.iranpl.ir

سیاست گذاری خوب و سیستمی مطالبه از دولت و رئیس جمهور جدید



داوود صفیخانی

پس از کشمکش های فراوانی که در روند انتخابات ریاست جمهوری شاهد بودیم، در نهایت آقای ریسی سکان هدایت قوه مجریه را در دست خواهد گرفت. خیابان پاستور و نهاد ریاست جمهوری مستقر در آن یک بار دیگر پذیرای فرد جدید و تفکر جدیدی خواهد بود. باروی کارآمدن دولت جدید قطعا بسیاری از مناسبات و فرایندهای مدیریت های کشور دستخوش تحولاتی شده، کیفیت فعالیت حوزه های مختلف و زندگی مردم نیز به تاسی از آن، تغییر خواهد کرد.

حوزه فناوری، شاید از جمله بخش هایی باشد که باروی کارآمدن دولت جدید دستخوش تغییرات بیشتری باشد. به خصوص اگر به برنامه ها، وعده ها و بسته فکری رییس جمهور جدید در بحبوحه کارزار انتخاباتی نگاهی دقیق تر ببندازیم.

در خصوص مشکلات زیرساختی مربوط به حوزه فناوری، مطالب متعددی توسط کارشناسان و رسانه های مربوط، گفته و نوشته شده است و بارها این مشکلات توسط رسانه ها، کارشناسان و تشکل های صنفی به گوش سیاست گذاران رسانده شده است اما متأسفانه در دولت آقای روحانی، به بخش بزرگی از این مطالبات که از نظر نگارنده، کیفیت فعالیت و پویایی بازار IT را به کل تحت تاثیر قرار می دهد، بی توجهی و کم توجهی عمیقی شد. جابه جایی دولت ها در سطح ریاست جمهوری و فرایندی که تا تشکیل دولت، انتخاب افراد و استقرار آنها، فراهم می شود، فرصتی است تا اولویت های اساسی و اصلی که مشخصا بازار فناوری برای حیات پویای خود به آنها نیاز دارد، بار دیگر به صورت خلاصه مطرح شود تا در لیست پیگیری از دولت آینده قرار گیرد قطعاً در این مسیر نقش رسانه ها و تشکل های صنفی بسیار بارز و برجسته است اما اجرای مشخصی برای پیگیری و مطالبه آن از بدنه دولت جدید باشند.

❖ از آنجا که حوزه IT، حوزه ای زیرساختی برای توسعه محسوب می شود و نقش بسیار بارز و برجسته ای در فرایند توسعه ای دارد، نوع نگاه دولت ها و سیاست گذاران ما متأسفانه در این حوزه بر مبنای کالای لوکس بوده و بر این مبنا سیاست گذاری می شود، بر واضح است بر اساس این نوع نگرش، در بزنگاه های مختلف، انواع محدودیت ها برای واردات آنها سیاست گذاری می شود که این نگاه خود مهم ترین آسیب را به صورت سیستمی بر چرخه پویایی بازار وارد می کند. اولین قدم، اصلاح این نگاه به حوزه IT است به طوری که نگرش و سیاست گذاری پیرامون آن از کالای لوکس به کالای زیرساختی چرخیده و از این دریچه سیاست گذاری شود.

❖ برای سیاست گذاری خوب در هر حوزه ای اشراف کامل به فرایندهای عرضه و تقاضا، ظرفیت فعالان و نیاز مصرف کننده از جنبه کمی و کیفی، زیربنای اصلی برای تصمیم گیری خوب است به نحوی که سیاست گذاری را وارد فرایند تفکر سیستمی می کند تا تصمیمات از تمام جنبه ها بررسی و تحلیل شود، برای این منظور دخالت دادن مستقیم تشکل های حوزه IT به عنوان بازوهای کارشناسی که به تمام فرایندهای بازار و نیاز مصرف کننده از نظر کمی و کیفی اطلاع کامل دارند، نیازی ضروری و بسیار بااهمیت محسوب می شود که صد افسوس با وجود تاکید های بسیار همچنان این رکن مهم که بعد خرد جمعی، و لازمه اتخاذ سیاست گذاری خوب است، نادیده گرفته می شود و از این نظر، شاهد تصمیمات آسیب زار پیکره بازار فناوری بوده ایم که حیات و پویایی آن را تحت تاثیر قرار داده است.

❖ اصولاً در حوزه IT به دلیل اینکه کالاهای آنها از کالاهای اساسی و زیرساختی برای فرایندهای توسعه فناوری می شوند، لزوم حمایت از تولید داخل در حوزه IT هم البته ضروری است اما همچنان که می دانیم، فرایند تولید کالاهای IT به دلیل تنوع، تکنولوژی ساخت انحصاری خاص آن در دنیا، سرعت، کیفیت، تنوع و استانداردهای امنیتی، قیمت و... اصولاً امکان اتکا به توان داخلی نه تنها در کشور ما بلکه در کشورهای پیشرفته صاحب تکنولوژی هم امکان پذیر نیست و اتکا به توان تولید محدود داخلی که امکان تولید ۱۰۰ درصدی کالا در داخل را ندارند، روند توسعه در بخش های دیگر را هم دچار مشکل می کند. از این نظر، اجرای سیاست گذاری های رایج و پراشتباهی که منجر به بستن کانال واردات کالاها، محدودیت در ورود کالاها و اعمال تعرفه های گمرکی بالا، نه تنها به صورت سیستمی منجر به تولید پایدار داخلی نخواهد شد بلکه مقوله قاچاق کالا و فعالیت کانال های غیر رسمی توزیع کالاها را تشدید خواهد کرد. سیاست اختلال در روند واردات کالاها به بهانه حمایت از تولید داخل، در حوزه فناوری که کالاهای آنها زیرساختی و مهم است، سیاستی پراشتباه، غیر سیستمی و آسیب زار بازار IT است که نتیجه آن جاری شدن مشکلات بسیاری برای مصرف کنندگان مختلف، برای تامین کالاهای می شود.

خیلی روشن است دولت و سیاست گذاران می توانند با اعمال بسته های حمایتی مختلف (معافیت های مالیاتی، بیمه ای، اعطای تسهیلات بانکی با نرخ بهره بسیار پایین، کمک در واردات فناوری و ماشین آلات مختلف، تخصیص زمین، سوله و امکانات سخت افزاری مختلف برای تولید، تسهیل سازی روند اخذ مجوزها و غیره) تولید کننده داخلی را کمک کنند تا در این فضا در امنیت کامل، کالا را تولید و با افزایش بهره وری و کیفیت، آماده ورود و رقابت به بازار داخلی و حتی بین المللی شود. قطعاً لازمه این کار تن دادن به الزامات فضای رقابتی است تا با تنفس در این فضای رقابتی شدید، کیفیت، بهره وری و پشتیبانی ارتقا یافته و با چاشنی جذابیت قیمتی، سهم خود از بازار را به دست آورد. تن دادن به الزامات بازار رقابتی و جنگیدن برای بقا در این فضا قطعاً به رشد و تعالی خواهد انجامید نه در فضای انحصاری و غیر رقابتی!

فناوری های نوین اطلاعات و صنعت گردشگری



گردشگران بر آورده شود، اطلاعات جعلی مربوط به تجارت شما را به اشتراک نمی گذارند. دوم اینکه تأمین کنندگان گردشگری باید به این فکر کنند که چگونه می توانند فناوری را به درستی در شرکت خود پیاده کنند تا از هدر رفتن پول بدون باز پرداخت سود جلوگیری کنند. سوم استفاده از تجهیزات محدود در برخی از مقاصد گردشگری است، زیرا همه گردشگران از استفاده از فناوری برای راهنمایی راضی نیستند. به عنوان مثال هنگامی که آنها از مکانی تاریخی بازدید می کنند، برای توصیف آنچه در گذشته اتفاق افتاده، نیاز به یک راهنمای تور دارند. آنها می خواهند احساس طبیعی داشته باشند نه فقط گوش دادن به دستگاه ضبط مکالمه.

فناوری ارتباطات و اطلاعات، به دو دلیل، می تواند در مواجهه با بیماری همه گیر کووید ۱۹ در عرصه گردشگری کمک کند؛ اول اینکه رسانه های اجتماعی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات مربوط به همه گیری، داده ها را بسیار سریع و تازه، به روز می کنند تا از ویروس مطلع شوند. دوم اینکه از آنجا که ارائه دهنده خدمات اینترنت در همه جا همراه با برنامه کووید ۱۹ است، می تواند حرکت افراد را ردیابی کرده و به آنها در مورد ایمنی و خطر مکانی که به آنجا می روند، هشدار دهد.

فناوری ارتباطات و اطلاعات، به دو دلیل، می تواند در مواجهه با بیماری همه گیر کووید ۱۹ در عرصه گردشگری کمک کند؛ اول اینکه رسانه های اجتماعی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات مربوط به همه گیری، داده ها را بسیار سریع و تازه، به روز می کنند تا از ویروس مطلع شوند. دوم اینکه از آنجا که ارائه دهنده خدمات اینترنت در همه جا همراه با برنامه کووید ۱۹ است، می تواند حرکت افراد را ردیابی کرده و به آنها در مورد ایمنی و خطر مکانی که به آنجا می روند، هشدار دهد.

فناوری ارتباطات و اطلاعات، به دو دلیل، می تواند در مواجهه با بیماری همه گیر کووید ۱۹ در عرصه گردشگری کمک کند؛ اول اینکه رسانه های اجتماعی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات مربوط به همه گیری، داده ها را بسیار سریع و تازه، به روز می کنند تا از ویروس مطلع شوند. دوم اینکه از آنجا که ارائه دهنده خدمات اینترنت در همه جا همراه با برنامه کووید ۱۹ است، می تواند حرکت افراد را ردیابی کرده و به آنها در مورد ایمنی و خطر مکانی که به آنجا می روند، هشدار دهد.

موضوعات و سوژه هایی از «حافظه حوزه ICT کشور» کم یا اضافه خواهد شد که اطلاع رسانی لازم در خصوص آنها را انجام خواهیم داد. تحریریه هفته نامه عصر ارتباط معتقد است که این فهرست قطعاً ناقص بوده و موضوعات متعددی باید به آن اضافه شود تا به عنوان شاخص و داشبوردی در مقابل مردم و مسئولان بخش های متخلف کشور عمل کند. لذا از تمامی علاقه مندان و فعالان نیز دعوت می شود موارد مدنظر خود را از طریق ایمیل report@asreertebad.com یا شماره تلفن ۸۸۹۴۷۴۵۲ به ما اعلام کنند.

دولت ها و مسئولان می آیند و می روند، اما طرح ها، پروژه ها و مشکلات همواره می مانند. رسانه ها و افکار عمومی هم به علت انباشت مشکلات قبلی و زایش طرح ها و پروژه های جدید، با فراموشی مواجه بوده و هستند. ما اما تلاش کرده ایم تا به شکلی ثابت پیگیر سر نوشت مسایل و طرح های حوزه کاری خود باشیم. به همین منظور فهرست حاضر که در آینده اصلاحات بیشتری روی آن اعمال شده و موضوعات بیشتری به آن اضافه خواهد شد، صرفاً به عنوان یک حافظه عمل خواهد کرد و هر از گاهی اقدام به باز نشر آن خواهیم کرد. در دوره این باز نشر ها طبعاً

تغییر و تاخیر در رزرواسیون، پیشنهاد معاملات و تبلیغات آگاه کنند.

استفاده از فناوری در صنعت گردشگری و جهانگردی، به سرعت بخشیدن به عملیات کمک کرده و به روند سفر بسیار لذت بخش و کارآمد، یاری رسانده است. فناوری نه تنها به هتل های بزرگ زنجیره ای کمک می کند، بلکه برای سایر شرکت های کوچک صنعتی نیز مفید است.

چگونگی تاثیر فناوری اطلاعات بر صنعت توریسم

پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات بر رشد صنعت گردشگری بر همه نوع مشاغل تاثیر می گذارد. نکته اول اینکه مولتی مدیا راهی برای ارتقای صنعت مسافرت، مانند اینستاگرام، فیس بوک و غیره است. دوم اینکه فناوری اطلاعات و ارتباطات می تواند طرح های عکس و گرافیکی ایجاد کند که فعالان گردشگری برای تبلیغ محصولات خود به آن نیاز دارند. سوم اینکه گردشگران از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از GPS، برای یافتن مقصد گردشگری بهره می برند. فناوری اطلاعات و ارتباطات به کنترل زمان واقعی جمعیت در جاذبه های گردشگری مانند سیستم های هشدار و اطلاع رسانی اضطراری کمک می کند. همچنین برنامه هایی برای ردیابی حرکت بازدید کنندگان با استفاده از GPS و تلفن های هوشمند ساخته شده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات، به خصوص با شیوع بیمه های همه گیر کووید ۱۹، برای فعالان گردشگری مهم است.

جوانب مثبت و منفی ICT در حوزه گردشگری

در خصوص مزایا و جوانب مثبت استفاده از ICT در توریسم می توان به موارد مختلفی اشاره کرد. اول اینکه از فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان تجارت الکترونیکی برای ارتقای گردشگری از طریق سیستم های عامل آنلاین استفاده شد. دوم اینکه در صنعت هتلداری، از ICT برای مدیریت بهره وری کارکنان و درآمد هتل استفاده می شود. سوم اینکه در صنعت جهانگردی در جهان تجارت و آرایه اطلاعات به مصرف کنندگان در مورد محصول، می توان از ICT برای معامله تجاری استفاده کرد. همچنین فناوری های نوین با آرایه اطلاعات، توصیه ها و رزرو اطلاعات مربوط به مقاصد گردشگری در برنامه های آنلاین مانند Booking.com، Agoda و خدمات گوجل به گردشگرانی که سفر را تجربه نکرده اند، کمک



آسیه فروردین

فناوری اطلاعات در دهه گذشته نقش مهمی در صنعت میهمان نوازی و جهانگردی داشته است. فناوری به کاهش هزینه ها، افزایش کارایی عملیاتی و بهبود خدمات و تجربه مشتری کمک کرده است. هم مشتریان و هم مشاغل می توانند از سیستم های ارتباطی، رزرو و خدمات میهمان بهره مند شوند. فناوری به صنایع گردشگری و میهمان نوازی کمک کرده تا نیروی کار گران قیمت را جایگزین نیروی کار فنی کند. این امر، کمک می کند هم هزینه های نیروی کار کاهش یابد و هم از مشکلات مربوط به خدمات به مشتری جلوگیری شود. در اینجا چند نمونه از شیوه هایی که فناوری اطلاعات به بهبود میهمان نوازی و صنعت گردشگری کمک کرده، ذکر شده است.

اینترنت و بازار یابی اینترنت، تاثیر مهمی در میهمان نوازی و گردشگری دارد.

اولین تجربه مشتری با تجارت شما، بازدید از وبسایت شماست. این امر، شامل مشاهده تصاویر و بررسی های میهمانان گذشته است. برای یک تجارت، بسیار مهم است که از تبلیغات آنلاین، رسانه های اجتماعی، وبلاگ ها و خرید آنلاین استفاده کند تا مشتریان راحت باشند؛ به خصوص وقتی رقبای شما همین کار را می کنند.

سیستم های رایانه ای سیستم های رایانه ای، امکان برقراری ارتباط بین زنجیره های هتل بزرگ تر با چندین مکان را فراهم می کند تا راحت تر اتصال برقرار کنید.

به حفظ پرسنل کمک کرده و دسترسی به اطلاعات را آسان تر می کنند و باعث می شوند میهمانان شما تجربه بهتری داشته باشند. درخواست به عنوان میهمان، اطلاعات مربوط به خانه داری و رزرو را می توان در یک سیستم پیدا کرد.

ارتباطات سیار تلبت ها و تلفن های هوشمند جایگزین رایانه های رومیزی بزرگ شده و آنها را عملاً منقرض کرده اند.

این امر، مفید است زیرا بسیاری از مسافران در سفر نوعی دستگاه همراه را نیز با خود حمل می کنند. این امر به مشاغل گردشگری کمک می کند تا با استفاده از ردیابی GPS، مشتریان را در مورد

«ناتمام های فاوای کشور»

مهلت نشش ماهه اصلاح سامانه های دولتی

شورای اجرایی فناوری اطلاعات در جلسه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ براساس پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آیین نامه اجرایی استقرار چارچوب تعامل پذیر دولت الکترونیکی را به تصویب رساند. بر این اساس تمامی دستگاه های اجرایی موظف شدند حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ مصوبه نسبت به اصلاح یا تکمیل پایگاه اطلاعاتی و یا بازطراحی سامانه های اطلاعاتی اقدام کنند که البته همچنان بسیاری از دستگاه ها این کار را نکرده اند.

پیوست فناوری طرح های کلان

۱۸ فروردین ۱۳۹۶ رییس سندیکی صنعت مخابرات از تدوین پیوست فناوری برای طرح های کلان ICT دارای شریک خارجی خبر داد و اعلام کرد هدف این سند انتقال دانش فنی در قراردادهای خارجی است. این سند باید پس از تایید و تصویب توسط وزیر ارتباطات به منظور طرح در ستاد اقتصاد مقاومتی ارسال شده و به تصویب می رسد که البته همچنان این اتفاق نیفتاده است.

سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات

با وجود آنکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سال ۸۸ تصویب شده اما تا تیرماه سال ۹۶ با وجود الزام قانون و ابلاغ آیین نامه آن، راه اندازی سامانه به تعویق افتاده بود. حال اما با وجود راه اندازی سامانه همچنان بسیاری از ۴۸۰ دستگاهی که باید در این سامانه عضو شوند به آن متصل نشده اند.

ایجاد شهر هوشمند خوارزمی

۱۶ خرداد ۱۳۹۶ یکی از اعضای هیات مدیره شرکت عمران شهرهای جدید از بازیابی با کره جنوبی برای امکان سنجی ایجاد شهر هوشمند برای شهر جدید «خوارزمی» خبر داد که قرار بود در جنوب شرقی تهران احداث شود. همچنین توسعه مشترک تحقیقاتی و تکنولوژی ساختمان ها نیز یکی دیگر از قراردادهای امضا شده در تفاهم نامه با کره جنوبی بود که تا این لحظه هیچ گزارشی در خصوص دستاوردهای عملی این تفاهم نامه های امضا شده با کره ای ها منتشر نشده است.

اتصال منازل به فیبر نوری

وزیر وقت ارتباطات و فناوری اطلاعات در اوایل بهمن ماه سال ۹۴ وعده اتصال منازل به فیبر نوری را مطرح کرد و گفت فیبررسانی به منازل و محل کار مردم از ابتدای سال ۹۵ آغاز خواهد شد. این وعده البته جزو ماموریت های اپراتور چهارم ایران نباشد که محقق نشده و حتی سر نوشت این اپراتور هم در هاله ای از ابهام قرار دارد.

سامانه های چکاوک ۲ و ۳

هشتم خرداد ۱۳۹۶ دبیرکل بانک مرکزی از راه اندازی سامانه های چکاوک ۲ و چکاوک ۳ خبر داد چکاوک ۲ قرار بود موجب تجمع آمار چک های درون بانکی با آمار چک های بین بانکی، توسط بانک مرکزی شود. ایجاد امکان واگذاری چک به مقصد حساب های دولتی نزد بانک مرکزی از شعب بانکی فعالیت کشور نیز قابلیت ویژه ای بود که قرار بود چکاوک ۳ ایجاد کند، اما همچنان نسخه های ۲ و ۳ چکاوک عملیاتی نشده اند.

فیلترینگ هوشمند

فیلترینگ هوشمند طرحی بود تا در عین حال که دسترسی به شبکه های اجتماعی مقدور باشد صفحات غیر اخلاقی و مغایر با موازین نظام فیلتر شود. آن طور که منابع رسمی وزارت ارتباطات گفته اند، برای اجرای طرح فیلترینگ هوشمند احتمالاً بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان قرارداد میان وزارت ارتباطات و متخصصان در بحث فیلترینگ هوشمند پیش از این منعقد شده که البته اطلاعی از سر نوشت و خروجی آن نیست.

جداسازی رگولاتوری دولتی از بخشی اولویت دولت سیزدهم باشد



(TCI Restructuring)، "بجادر رگولاتوری" (Regulatory) به علاوه "استقرار مبنای حقوقی مرجع مقررات گذاری" (Establish the legal basis of Regulatory Authority) به ایران اعزام کنند.

کارشناسان ITU آمدند، به مدیران و کارشناسان ایرانی، قدمتماتی نظری در حوزه‌های مذکور آموختند، مبنای کاربردی اقدام ملی برای تغییر و اصلاح ساختارها را به ما یاد دادند، مستندات و توصیه‌نامه‌هایی کاربردی از مصوبات ITU-D را برای مطالعه بعدی برای ما بجا گذاشتند و رفتند. البته ITU-D یکی از سه بخش اتحادیه است که به کشورهای در حال توسعه در زمینه ظرفیت‌سازی و توسعه نیروی انسانی کمک می‌کند. پس از اتمام آن دوره‌های آموزش حین خدمت که حدود دو ماه طول کشید تا یکی دو سال بعد، از طریق ایمیل به پرسش‌های ما پاسخ دادند، تا جایی که امکان داشت رفع ابهام کردند و مادست به کار تجدید ساختار مخابرات کشور، ساماندهی به بخش نوپای ارتباطات و فناوری اطلاعات، عبور از وزارت PTT به ICT و درک تاثیر آن بر چیسستی و چرایی جامعه اطلاعات شدید.

ناگفته مشهود است که کج فهمی ما از همیافت‌های خصوصی‌سازی و تجدید ساختار موفق شد و مادر عمل شکست خوردیم! حدود ۲۰ سال است که بدون داشتن مرجعی واحد برای مقررات گذاری بخشی، مشغول سعی و خطا، وصله و پینه، و ایجاد و اصلاح ساختارهایی برای تنظیم مقررات فاوادر جامعه اطلاعات آشوبناک کشور هستیم.

خلاصه اینکه وعده‌های انتخاباتی در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات در شرایط آشوبناک وجود خرده مقررات گذاران پراکنده در تمام ارکان نظام، محقق نمی‌شوند!

قبلا هم یادآور شده بودم و اینجا هم تکرار می‌کنم، دولت سیزدهم باید بکوشد:

● تمام شبهه رگولاتوری‌های موجود در بخش مخابرات و ارتباطات را ملغی کند.

● به جای تمام شبهه رگولاتوری‌های موجود، یک مرجع رگولاتوری واحد در بخش خصوصی مخابرات و ارتباطات کشور ایجاد کند.

● فراتر از ایجاد مرجع رگولاتوری واحد در بخش خصوصی مخابرات و ارتباطات کشور، باید مرجع رگولاتوری دیگری را برای مدیریت منابع کمیاب مورد نیاز مخابرات و ارتباطات در دولت ایجاد کند.

● لایحه قانونی محدودسازی حقوق مالکیتی دولت در بخش خصوصی را تدوین کرده، به مجلس جهت تصویب تقدیم کند و در آن، عرصه‌های مقررات گذاری بخشی و بهره‌برداری را از یک سو و سیاست گذاری بخشی و مالکیت در بخش خصوصی مخابرات را از سوی دیگر منتزع کند تا به این ترتیب، بهره‌برداران، حق مقررات گذاری بخشی نداشته و سیاست گذاران بخش نیز افرادی غیر از مالکان و ذی‌نفعان همان بخش باشند.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود و قوانین و مقررات مربوط به آنان به قوت خود باقی است.

بدون آن که مدیریت یا مدیریت‌هایی را برای کنترل مصرف منابع کمیاب مخابرات و ارتباطات در سازمان صدا و سیما و در نیروهای مسلح تعیین و نصب کنند.

به لحاظ این خطاهای قانون گذاری، مادر ایران نه رگولاتوری بخشی را داریم و نه رگولاتوری دولتی را!

این خلأ قانونی و آن قانون نادرست، ریشه ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های موجود در جامعه اطلاعات کشورند زیرا باعث شده‌اند تا فراتر از دولت و بخش خصوصی (به معنی اقتصادی آن) نهادهایی فراقوه‌ای، فرادولتی و فراقانونی برای مقررات گذاری در جامعه اطلاعات کشور شکل بگیرند. در نتیجه، آنها نیز به نوبه خود بر آشوبناکی مقررات حاکم بر جامعه اطلاعات و بازارهای ارتباطات و فناوری اطلاعات افزوده‌اند، می‌افزایند و خواهند افزود.

هفته پیش یادآور شدیم که بیش از ۲۰ سال پیش، وزارت پست و تلگراف و تلفن ایران به عنوان عضو رسمی اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)، از دبیرخانه اتحادیه مذکور و از سازمان توسعه و سازمان ملل (UNDP) درخواست کرد تعدادی کارشناس بین‌المللی خبره را که در حوزه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی مخابرات کار کرده‌اند برای تعلیم مدیران و کارشناسان ایرانی در زمینه‌های "تجدید ساختار شرکت مخابرات ایران"

تفکیک می‌کنند. بسیاری از آنها متوجه شدند که قانون دارای شأن ملی ولی مقررات دارای شأنی بخشی است. همچنین قانون، معیاری همیشه معتبر یا دارای اعتبار بلندمدت است ولی مدت اعتبار مقررات به اقتضای زمان، به خصوص در عصر فناوری‌های زودگذر، کوتاه یا بسیار کوتاه مدت است. پس اگر دولتی دارای بنگاه‌هایی دولتی جدای از شرکت‌های غیردولتی و خصوصی در اقتصاد ملی است، برای مدیریت منابع کمیابی که مورد نیاز اقتصاد و فناوری در هر دو حوزه دولتی و خصوصی است، چه باید بکند؟

نکنه مهمی که قانون گذاران ما به هنگام تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نفهمیدند این است که حتما باید به تشکیل دو نهاد رگولاتوری اقدام کرد. قانون گذاران ما به هنگام تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، آمدند "کمیسین تنظیم مقررات ارتباطات" را در ساختار سازمانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جاسازی کردند و سازمانی بی‌معنی و بی‌مسما به نام "سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی" را در کنارش نشانند، هر دو را ذیل شخص وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار دادند و بعد گناه بزرگ‌تری را مرتکب شدند و تصویب کردند که:

اختیارات و وظایف مربوط به این وزارت مندرج در این قانون شامل محدوده وظایف و اختیارات سازمان صدا و سیما و

فدرال است و بیرون از ایالات متحده بخش ارتباطات کشور را در مجامع بین‌المللی نمایندگی می‌کند.

این تقسیم‌بندی میان رگولاتوری بخشی و رگولاتوری دولتی، استاندارد اداری و قاعده‌ای نهادینه شده در اغلب کشورهاست! با تفکیک این دو رگولاتوری از هم، تزاخم منافع میان دولت و بخش خصوصی رفع می‌شود! دولت در بخش خصوصی یا فاقد حقوق مالکانه است یا اگر دارای سهام است، حقوق مالکانه‌اش بر اساس "قانون سهم طلایی" (Golden Share Law) محدود می‌شود، به طوری که دولت دیگر حق دخالت در تصمیم‌گیری‌های بخشی را ندارد. مالکان سهام در بخش، نیز حق سیاست گذاری بخشی را ندارند. بهره‌برداران بخشی، حق مقررات گذاری را ندارند. یعنی مقررات گذاری بخشی از بهره‌برداری، جدا است.

اگر دولتی همه امور اقتصادی‌اش را دولتی‌سازماندهی کند، قانون گذاران و دولتمردانش، بدون نیاز به تشکیل نهاد رگولاتوری، مقررات وضع می‌کنند یعنی اصلانیازی به تفکیک حقوقی قانون از مقررات و احتیاجی به تعریف و نصب نهادی به نام "رگولاتوری" ندارد!

این وضعی بود که جامعه اطلاعات کشور و دولت‌های ما تا پیش از ۱۳۷۰ خورشیدی داشتند. از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مدیران و کارشناسان ما در دولت‌های هفتم و هشتم باخبر شدند که دیگر دولت‌ها حوزه قانون گذاری را از حوزه مقررات گذاری



عباس پورخصالیان

در حال حاضر، جامعه اطلاعات ایران فاقد بسیاری از نهادهای لازم برای ساماندهی شبکه ملی اطلاعات است. حداقل، دو نهادی که به این منظور باید ایجاد می‌شدند: یکی مرجع رگولاتوری بخشی و دیگری مرجع رگولاتوری دولتی است، آن هم مجزا از یکدیگر! در این دو مورد باید به دولت سیزدهم هشدار داد که در دو مورد مذکور تاکنون هیچ اقدامی نشده است! جز پیچیده و پیچیده‌تر شدن آشوبناک مقررات توسط نهادهای کلنگی موازی در همه حوزه‌های اقتصاد ارتباطات و فناوری اطلاعات!

● یک مطالعه تطبیقی

برای مثال، می‌توان به نهادهای جامعه اطلاعات در دیگر کشورها نگاه کرد و فرضا، مناسبات مقرراتی میان نهادهای جامعه اطلاعات در ایالات متحده را مورد شناسایی قرار داد.

از نیمه اول سده بیستم تاکنون، ایالات متحده، در حوزه ارتباطات، دو نهاد مقرراتی دارد:

۱. یک مرجع رگولاتوری بخشی به نام FCC یا "کمیسین فدرال ارتباطات" که منابع کمیاب مورد نیاز مخابرات و ارتباطات در بخش خصوصی را کنترل می‌کند.

۲. یک مرجع رگولاتوری دولتی که منابع کمیاب مورد نیاز مخابرات و ارتباطات در دولت فدرال و دولت‌های ایالتی را پایش و مدیریت می‌کند.

نام این رگولاتوری دوم در ایالات متحده: NTIA، مختصر شده عبارت National Telecommunications and Information Administration به معنی «اداره دولتی ارتباطات و اطلاعات ملی» است.



مدیر NTIA طبق قانون، مسوول مشاوره به رئیس جمهور، تنظیم مقررات ارتباطات میان دولتی (در داخل دولت‌های ایالتی و بین آنها با دولت فدرال) و نماینده دولت‌ها در دولت

زباله‌های الکترونیکی



سال ۱۳۸۹ مصوبه‌ای قانونی تکلیف زباله‌های الکترونیکی را در کشور مشخص کرد باین وجود این مسوولیت همیشه پاسکاری شده است. پس از آن، هجدهم اسفندماه ۱۳۹۴ وزارت ارتباطات با سازمان محیط زیست یک تفاهم‌نامه در خصوص این زباله‌ها به امضا رساندند که البته همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود این تفاهم‌نامه نیز تکلیف زباله‌های الکترونیکی در کشور را مشخص نکرد.

ماهواره‌های ایرانی

از ۱۵ اسفند ۱۳۸۴ که اولین تلاش‌ها برای ساخت ماهواره داخلی صورت گرفت تا کنون ۹ ماهواره ساخته شده که علی‌رغم صرف هزینه‌های میلیون دلاری، وضعیت هر یک نامعلوم‌تر از دیگری است. در آخرین مورد رئیس سازمان فضایی اعلام کرده، طبق بررسی‌های کارشناسانه در مورد ماهواره مصباح به این نتیجه رسیده‌ایم که هزینه‌های پرتاب این ماهواره بسیار بالاست و ارزش ندارد که آن را به فضا بفرستیم.

۱۰ برابر کردن محتوای الکترونیکی

پروژه ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی با رویکرد کسب و کار دیجیتال در سال ۱۳۹۵ به تأیید ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی رسید. در این مقطع حدود ۴۰ میلیارد تومان به این پروژه اختصاص یافت و قرار شد با توسعه محتوا تاثیر قابل توجهی بر حوزه‌های علمی، پژوهشی و اقتصادی کشور گذاشته شود. آخرین خبر از این طرح اما این است که ظاهرا اجرای آن به‌طور کلی از اولویت‌های پروژه اقتصاد مقاومتی خارج شده است.

طرح تکاپو

از دی ماه سال ۱۳۹۳ با مصوبه شورای عالی اشتغال برای توسعه اشتغال مبنی بر «مزیت‌های استانی» با عنوان «توسعه کسب و کار و اشتغال پایدار» یا «تکاپو» در دستور کار قرار گرفت و آنگونه که مجریان طرح می‌گفتند بهمن ماه ۹۴ در کار گروه شورای برنامه‌ریزی استان تصویب و از سال ۹۵ وارد فاز اجرایی شد. با این وجود تاکنون نتیجه مشخصی از میزان اشتغال به وجود آمده از جمله ایجاد ۱۳۰ هزار شغل در بخش ICT نیست.

الزام دولتی‌ها به نصب پادویش



هجدهم بهمن ماه سال ۱۳۹۶ وزیر ارتباطات ابلاغ استفاده از آنتی‌ویروس پادویش در دستگاه‌های دولتی را به عنوان یک دستور حاکمیتی اعلام کرد. اگر چه از همان زمان تاکنون انتقادات متعددی به مخاطر استفاده انحصاری از تنها یک آنتی‌ویروس مطرح شد لیکن همچنان گزارشی از میزان پیشرفت و اجرای این دستور حاکمیتی از سوی دستگاه‌های دولتی نیست.

سند مراقبت از کودکان در فضای مجازی



دوم آبان ماه سال ۱۳۹۶ وزیر ارتباطات از رونمایی سند مراقبت از کودکان در فضای مجازی در روز ۱۳ آبان و همزمان با روز دانش آموز خبر داد. با این وجود تاکنون خبری در خصوص رونمایی این سند منتشر نشده است. تولید محتوای متناسب با کودک و نوجوان در این فضا نیز در این سند پیش‌بینی شده بود که از میزان پیشرفت آن اطلاعی در دست نیست.

پروانه اپراتور ماهواره‌ای



مطالعات اولیه نیازسنجی، امکان‌سنجی اپراتور ماهواره مخابراتی بومی از سال ۱۳۹۴ توسط سازمان فضایی ایران آغاز شد و چارچوب کلی آن در رگولاتوری به تصویب رسید. سیزدهم تیر ماه ۱۳۹۷ امام‌دیر کل سازمان فضایی ایران پس از گذشت سه سال اعلام کرد که بررسی و صدور مجوز پروانه تدوین شده برای فعالیت اپراتور ماهواره مخابراتی در کشور، در دستور کار کمیسین تنظیم مقررات ارتباطات قرار دارد.

نظام جامع مالیاتی



حکم مربوط به اجرای طرح نظام جامع مالیاتی به ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه و تحت عنوان محدودتر طرح جامع مالیاتی باز می‌گردد. به همین منظور در سال ۱۳۸۳ اعلام شد که شرکت دیلویت کانادا برای برنامه‌ریزی و تدوین نقشه راه این طرح دعوت به همکاری شده و در برنامه اجرایی طرح جامع مالیاتی ۲۷ پروژه در پنج محور سازماندهی شده بود که این طرح هنوز به سرانجام کامل نرسیده است.

ارز دیجیتال داخلی



چهارم اسفند ۱۳۹۶ بود که وزیر ارتباطات در توییتی وعده ایجاد ارز دیجیتالی داخلی توسط پست‌بانک را مطرح کرد. جهرمی، هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ این بار از آماده سازی مدل آزمایشی ارز دیجیتالی ایرانی خبر داد. با این وجود تا این لحظه همچنان خبری از سرنوشت، کارکرد و خروجی ارز دیجیتالی ملی نیست.

برنامه دفاع سایبری



رئیس مجلس شورای اسلامی در ۱۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۵، قانون برنامه ششم توسعه کل کشور را که توسط شورای نگهبان تأیید نهایی شده بود، به‌منظور اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ کرد. در قانون برنامه ششم توسعه کشور، برنامه دفاع سایبری مناسبی برای افزایش چتر امنیت سایبری پیش‌بینی شده بود که البته تا این لحظه هیچ آماری از پیشرفت آن منتشر نشده است.

لوايح پنج‌گانه حقوق فناوری اطلاعات

پنجم اسفند ماه ۱۳۹۶ پنج لایحه مرتبط با نظام حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آرایه به هیات دولت رونمایی شد. حمایت از اطلاعات و حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، مسوولیت ارائه‌دهندگان خدمات حوزه فناوری اطلاعات، شناسه‌های الکترونیکی، حکمرانی الکترونیکی و تراکنش‌های الکترونیکی از جمله این پنج لایحه بودند که قرار بود در مجلس مصوب و به قانون تبدیل شوند که البته همچنان خبری از سرنوشت آن نیست.

طرح GNAF

در ۲۱ تیر ماه ۱۳۹۴ محمود واعظی وزیر وقت ارتباطات مصوبه مربوط به «نظام ملی آدرس گذاری کشور» (GNAF) را برای اجرا به تمام دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ کرد. در این نظام امکان بررسی و صحت‌سنجی آدرس به همراه موقعیت جغرافیایی مقدر است و همین امر می‌تواند باعث بالا رفتن ضریب ایمنی سایت‌های دولتی شود که پیشرفت دقیق و نتیجه این طرح که اجرای آن به عهده شرکت پست بود، مشخص نیست.

ایمن‌سازی علاءالدین

۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تهران با اشاره به ضرورت ایمن‌سازی اماکن نایمن پایتخت، گفت: از مسوولان ذی‌ربط می‌خواهیم که فشار بیشتری بیاورند تا ساختمان علاءالدین ایمن‌سازی‌اش نهایی شود. با وجود آنکه پایتخت تجربه حادثه تلخ پلاسکو را پشت سر گذاشته اما به نظر می‌رسد هشدارها درباره علاءالدین جدی گرفته نشده و این موضوع نیز همچنان بلا تکلیف بماند.

خروج زیرساخت از مکالمات بین‌الملل



پنجم خرداد ماه سال ۱۳۹۷ مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت از کاهش نرخ مکالمات بین‌الملل از طریق دوصفر، در صورت آزادسازی آرایه این خدمات در کشور خبر داد. براین اساس به جای آنکه شرکت زیرساخت به صورت مستقیم با اپراتورهای بین‌الملل قرارداد ببندد، قرار است اپراتورهای داخلی با طرف خارجی قرارداد بسته و شرکت زیرساخت تنها بحث تحویل ترافیک را عهده‌دار باشد.

در میز گرد آنلاین با حضور مدیران بانکی و فناوری مطرح شد

تنها راه توسعه کیف الکترونیکی پول، تغییر دستوری نظام پرداخت کارمزد است

براساس آمار اعلام شده از سوی انجمن کسب و کارهای فین تک، در حال حاضر، ۶۳درصد تراکنش های خرید پایانه های فروشگاهی زیر ۲۵هزار تومان، ۸۷درصد زیر ۱۰۰هزار تومان و ۹۲درصد زیر ۲۰۰هزار تومان است و چنین ارقامی در رده تراکنش های خرد دسته بندی می شوند. همچنین کارمزد تمامی تراکنش هایی که بر بستر شاپرک انجام می شود (پرداخت های حضوری و غیر حضوری از طریق دستگاه های پوز و درگاه های پرداخت اینترنتی) بر عهده بانک هاست و به این ترتیب، تراکنش های خرد، بار مالی زیادی را بر این نهادها تحمیل می کنند و جدا کردن این تراکنش ها در قالب کیف الکترونیکی پول می تواند مزیت بزرگی برای شبکه بانکی کشور ایجاد کند. فعالان این عرصه معتقدند با نظام فعلی کارمزد که از ذی نفعان اصلی این خدمات یعنی خریدار و پذیرنده هیچ هزینه ای دریافت نمی شود و تمام کارمزد بر عهده بانک هاست، انگیزه ای برای خلق و استفاده از سرویس های پرداخت جدید ایجاد نمی شود.

به رغم اینکه برای سال ها بانک مرکزی جلوی توسعه کیف الکترونیکی پول را گرفته بود، در شهر پور ماه سال گذشته، شورای پول و اعتبار، طی بخش نامه ای، اجازه اجرای طرح کیف الکترونیکی پول را به بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی داد. با وجود آنکه مصوبه ابلاغ شده توسط بانک مرکزی ذاتا از جهت به رسمیت شناختن هویت کیف الکترونیکی پول، به عنوان یک ابزار پرداخت ارزشمند به حساب می آید، اما کمک چندانی به بهبود تجاری سازی این مدل نمی کند و تنها در صورتی که در نظام کارمزد تعیین شده برای کیف پول الکترونیکی تجدیدنظر شود، این سرویس می تواند موفقیت آمیز باشد. شرکت های ارایه دهنده سرویس های پرداخت می گویند اعمال محدودیت هایی مانند احراز هویت سامانه شاهکار و اخذ هزینه به ازای صدور کیف الکترونیکی پول که در بخش نامه جدید آورده شده نیز باعث کاهش نرخ تبدیل کاربران آنها می شود.

اینکه بیش از یک دهه نظام بانکی و متخصصان صحبت از مزایای کیف الکترونیکی پول و در بسیاری مواقع، بانک مرکزی را سرزنش می کردند که چرا در این حوزه اقدام نمی کند، حال پس از ۹ ماه از ابلاغ این آیین نامه به نظر می رسد بانک های که صدای شان گوش فلک را کر کرده بود که زیر فشار نظام کارمزدی اشتباه، در حال فروپاشی در حوزه فناوری هستند و اینکه چرا اکنون اقدامی در جهت راه اندازی این سرویس نمی کنند، موضوعی قابل تامل است.

از این رو، در این میز گرد آنلاین از سلسله نشست های تخصصی بانکداری و اقتصاد دیجیتال که با عنوان «بررسی دلایل موفق نشدن پروژه کیف الکترونیکی پول» با حضور حمید توفیقی مدیرعامل گروه داده روزی پارسیان، محمدعلی بخشی زاده قائم مقام هلدینگ فناوری اطلاعات بانک صادرات و سیدرضا جوکار نراقی مدیرعامل شرکت همراه کسب و کارهای هوشمند برگزار شد، دلایل عدم موفقیت در راه اندازی کیف الکترونیکی پول، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. مشروح این گفت و گو، پیش روی شماست.

همان طور که در مقدمه اشاره شد، طی بیش از یک دهه، صحبت از ابلاغ آیین نامه کیف پول است. همه نکوهش می کردند چرا بانک مرکزی در این حوزه تعلل می کند و آیین نامه را ابلاغ نمی کند تا اینکه شهر پور ماه سال گذشته آیین نامه ای ابلاغ شد. البته مجوز و ابلاغیه اش را از شورای عالی پول و اعتبار گرفت و همین موضوع هم محل سوال است که چرا بانک مرکزی باید از کانال این آیین نامه به نظر زمینه اقدام می کرد. با این حال، الان نکته اینجاست که بانک ها اعلام می کنند با راه اندازی کیف پول، می توانند شاهد کاهش هزینه باشند و کارمزد پرداختی به شتاب و شاپرک کمتر می شود. در این خصوص، تراکنش های آنلاین و آفلاین نیز وجود خواهد داشت که آفلاین شدن تراکنش ها می تواند به کاهش هزینه های زیرساختی بانک ها کمک کند. همه این صحبت ها و مزیت های کیف پول برای نظام بانکی برشمرده شده و در حال حاضر ۹ ماه است که بانکی با ابلاغیه از بانک مرکزی به شبکه بانکی اعلام شده، با این حال، یک کیف پول فراگیر که با سایر کیف های پول ها، تعامل پذیری داشته باشد، در کشور نداریم. لطفا برای ورود به آغاز بحث، بفرمایید در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ بانک ها و بانک مرکزی چه اقداماتی انجام داده اند؟ چرا تا الان کیف پول را نداریم؟

بخشی زاده: اگر اجازه بدهید برای پاسخ به سوال شما، ابتدا مروری بر اتفاقات سال گذشته تا کنون داشته باشیم و پاسخ را از دیدگاه فنی و زیرساختی عرض کنم. البته به آیین نامه هم اشاره خواهم کرد. همان طور که اشاره شد از سال گذشته که آخرین ویرایش ضوابط فعالیت موسسات اعتباری و راهبران کیف پول ابلاغ شد، این امر، یک سند بالادستی بود. در این سند ذکر شده بود شاپرک باید



محمدعلی بخشی زاده

مسئول ایجاد سامانه پایش کیف پول به عنوان نهاد ناظر باشد که این نظارت شامل هم عملکرد راهبران کیف پول است و هم مدیریت حساب واسط. عملا مسوولیت اجرایی هم برعهده شاپرک گذاشته شده بود. طبق این سند، لازم بود یک سری مستندات فنی و اجرایی برای هر کدام از ذی نفعان نوشته شود که نقش آنها در این مستند چیست و در خصوص تعامل پذیری چه اتفاقی باید بیفتد و هر کدام از این ذی نفعان در هر جایی از این اکوسیستم که حضور دارند، اگر بخواهند این اتصال پذیری را داشته باشند، چه کارهایی باید انجام دهند. این اتفاق، از پارسل شروع شد و در بهمن ماه سال گذشته، فرمت استاندارد بارکد ابلاغ شد. بر این اساس، تکلیف یکی از ابزار های مهم زیر ساخت مشخص شد. امسال دو سند مهم دیگر، به عنوان اسناد فنی منتشر شد. سند اول کتابچه جامع الزامات کیف الکترونیکی پول بود که اردیبهشت امسال توسط شاپرک و بانک مرکزی به عنوان نهادهای ناظر منتشر شد. در این کتابچه، نحوه صدور کیف الکترونیکی پول، الزامات و تعهدات راهبر، تعامل پذیری و نحوه دسترسی به سامانه جامع، کاملاً در آن ذکر شده است. همچنین مستندات فنی سوییچ کیف الکترونیکی پول نیز خرداد امسال منتشر شد که در آن، تکلیف هر کدام از ذی نفعان از نظر فنی و زیرساختی که در هر بخش از این اکوسیستم هستند، مشخص است. جا دارد به همکاران مان در بانک مرکزی و شاپرک، خسته نباشید، عرض کنم چون اسناد، بسیار جامع و کامل است و به لحاظ فنی، حداقل جزئیات در آن ذکر شده و این آمادگی برای اکوسیستم پرداخت کشور وجود دارد که از این زیرساخت ها استفاده کند. با این همه، یکی از دلایلی که ما تا الان نتوانستیم به زیر ساخت برسیم، این بوده که الزامات فنی و زیرساخت ها مشخص نشده بود. اتفاق دیگری هم رخ داد؛ در خصوص آن سامانه جامع پایش که نام آن را هاب کیف پول یا سوییچ متمرکز کیف الکترونیکی پول می توان گذاشت، به تازگی، شرکت خدمات کارهای فنی این محصول را انجام داد. شرکت خدمات هم از محصول شاتوت استفاده می کند که انصافا محصول خوبی تهیه شده است. علت این است که قبلا دوستان این راه را رفته اند و تعامل پذیری بین ۱۴ مجموعه بزرگی که صاحب کیف پول بودند، برقرار شد و تجربه موفق ی بود به همین دلیل بانک مرکزی، نخواست این مسیر را از ابتدا طی کند. لذا تا الان بستر خوبی فراهم شده و از نظر زیرساختی امکانات خوبی داریم اما اینکه مشکلات آیین نامه و اسناد بالادستی چیست، اگر اجازه بدهید در بخش بعدی، درباره آن صحبت کنیم.

همان طور که آقای بخشی زاده اشاره کردند رگولاتور باید زمانی ابلاغ آیین نامه را اعلام کند که حتی اگر خودش زیر ساخت فنی را بر عهده می گیرد و به ما مجرا ورود می کند – که آن هم محل بحث است – قاعدتا این موضوعات فنی و زیرساختی را جلو ببرد و سپس آیین نامه را ابلاغ کند. چرا برعکس عمل شده است؟ با این حساب، می توان گفت سال گذشته رگولاتور فرار رو به جلو کرده و ابلاغیه ای را در شهر پور ماه اعلام کرده و تا همین الان که مستندات فنی آن بیرون نیامده، اصلا پروژه، قابلیت اجرا نداشته است. آیا این موضوع را تا باید می فرمایید و اینکه چرا رگولاتور چنین برخوردی داشته است؟

توفیقی: اگر اجازه بدهید من ابتدا به سوال اول شما برگردم. این سوال را باید در چند بخش عرض کنم. بخش اول فضای رگولیشن و قانون گذاری در کشور است. کشور ما از جمله کشور هایی است که قانون گذار و رگولاتور حوزه پولی، به شدت فضای پولی را کنترل می کند و فضا high regulated است. همین امر، موجب شده در دوره ای منع به کار گیری کیف پول را داشته باشیم تا زمانی که صحبت شد هر کس می تواند برای خودش کیف پول داشته باشد و تا حالا که ضوابطی برای راهبران کیف پول الکترونیکی تدوین شده است. موضوع دوم، اکوسیستم شکل گرفته در کشور است. زمانی در کشور، فضا به شدت برای توسعه و رشد کیف پول مهیا بود اما الان با تحولاتی که در سیستم کارت به وجود آمده و نظام کارمزدی که شکل گرفته، پذیرش کیف پول، بسیار سخت تر شده است؛ همان طور



حمید توفیقی

که می دانید ۹۰درصد تراکنش های زیر ۲۰۰هزار تومان است و عملا کمسیون یا کارمزدی، روی آن اتفاق نمی افتد؛ به عبارت دیگر به جای اینکه کارمزد را از مرچند بگیریم، بانک ها این هزینه را می دهند. در این وضعیت، هیچ مدلی نمی توانید طراحی کنید که کاربر نهایی که دارنده کیف پول است، بین اینکه از کارت استفاده کند و کارمزد ندهد و اینکه از کیف پول استفاده کند و مقداری کارمزد بدهد، از کیف پول استفاده کند. سومین موضوع، مسایل فرهنگی و عادات مردم است. در حال حاضر فضا به شدت از نظر کارت و کارت خوان اشباع است و عادت مردم به کشیدن کارت، حتی در دور افتاده ترین مناطق، جریان دارد و سخت است که بخواهیم دو مرتبه کیف پول را فراگیر کنیم. نکته چهارم که باز هم به حوزه فرهنگ مصرف کننده بر می گردد، این است که وقتی کیف پول، توسط صاحبش خارج می شود، مردم ما عادت دارند در حساب جاری، حساب پشتیبان داشته باشند تا آخر ماه سودی به آن تعلق گیرد و خارج شدن پول از حساب شان برای آنها مطلوب نیست، هر چند با تبدیل روز شمار به ماه شمار، این موضوع، کمتر نگر می شود. عرض بنده این است که به جز مسایل فنی، توجه به مسایل فرهنگی و نیاز های جامعه لازم است تا افراد را با سهولت استفاده، امنیت، راحتی و مشوق اولیه، به استفاده از کیف پول ترغیب کنیم.

درباره آن بخش مستندات فنی که توسط رگولاتور به تازگی در خرداد ماه ارایه شده، با اینکه آیین نامه را سال قبل اعلام کرده و تناقض آنها نیز توضیح بفرمایید. ضمنا به دوستان این توضیح را بدهم که آقای توفیقی، روی کاغذ همچنان رییس هیات مدیره شرکت شاپرک نیز هستند اما از زمانی که در پارسیان حضور دارند، قاعدتا



اینکه اپراتورها در دنیا نقش کلیدی در توسعه روش های پرداخت ایفا می کنند، بیشتر از اینکه ریشه در رگولیشن، تکنیک و تکنولوژی داشته باشند، ریشه در نیاز بازار دارد و معتقدم ما با کندی و اعوجاج این مسیر را داخل کشور طی می کنیم و امیدوارم رویکردهایی که اپراتورها اتخاذ می کنند، منجر به تعامل ساخت یافته با اجزا و بازیگران اکوسیستم پولی و بانکی باشد و از این منظر توسعه آینده را هم شاهد باشیم



در حوزه سیاست گذاری و اجرا در شاپرک، نقشی ندارند و امروز از دید مسوول شاپرک با ایشان صحبت نمی کنیم بلکه به عنوان مدیرعامل شرکت داده روزی پارسیان در خدمت ایشان هستیم. با این توضیح، خواهش می کنم راحت تر صحبت کنید چون الان سمت رسمی در شاپرک ندارید هر چند رییس هیات مدیره هستید و البته گویا هفته آینده، رییس جدید هیات مدیره شاپرک نیز اعلام می شود. توفیقی: ممنون از توضیحاتی که دادید. همان طور که عرض کردم بانک مرکزی ما، به شدت high regulated است. در این خصوص، مباحثی مانند قانون پولشویی، کنترل گردش مالی و خلق پول مطرح است که بانک مرکزی برای کنترل این موارد، سعی کرده ضوابطی را تعیین کند که منافاتی با این حوزه نداشته باشد و حوزه کیف پول از دسترس حاکمیت خارج نشود. موضوعات حساسی است و فکر می کنم دوستان مخالفتی با آن نداشته باشند. جلسات بسیار متعددی با ذی نفعان موضوع در بانک مرکزی و حوزه های دیگر برگزار و نظرات آنها اخذ شده است. طبیعتا کنترل اکوسیستم و اینکه همه بازیگران به یک نقطه واحد برسند، نیازمند زمان است. همان طور که آقای بخشی اشاره کردند مسایل فنی



سیدرضا جوکار

بسیار زیاد بوده و باید زیرساخت های لازم برای کار فراهم شود. از زیرساخت ها هم که بگذریم، فضای دیگری هم شکل گرفته و سرمایه گذاری سنگینی در فضای کارت و کارت خوان ایجاد شده بود و دست به دست هم می داد تا این تاخیر ها شکل گیرد. به هر حال الان فضا، آماده است و اگر یک سری نکاتی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، فراهم شود، می توانیم امیدوار باشیم کم کم این موضوع هم مورد توجه ذی نفعان بازار قرار گیرد.

آیین نامه شهر پور ماه بدون مستندات فنی، از دید من تا به امروز، قابلیت اجرا نداشته است. از امروز که مستندات فنی ابلاغ شده، تازه بانک ها می توانند کیف پول داشته باشند. آیا شما این موضوع را تایید می کنید؟ در همین خصوص، توضیحات مدنظر خودتان را هم ارایه بفرمایید.

بخشی زاده: وقتی سند بالادستی آماده می کنیم صحبت از کلیات و چارچوب است. در همان سند فنی، فرصت شش ماهه پیش بینی شده تا زیر ساخت های فنی تعامل پذیری آماده شود. البته حتما شما هم تصدیق می فرمایید مباحث فنی، زمانبر است و اگر مستندات را ملاحظه کنید، متوجه می شوید که زحمت زیادی روی آن کشیده شده است. بانک ها هیچ وقت خودشان مستقیما صاحب کیف پول نبودند، بلکه از طریق شرکت های تابعه PSP یا شرکت های دیگر فعال در حوزه خدمات پرداخت از خدمات کیف پول استفاده می کردند و نظارت عالیه تا کنون وجود نداشته است. با این حال، از الان زیرساخت ها و آیین نامه ها مشخص است و در صورتی که فرصت زمانی برای تعامل پذیری با شاپرک اتفاق بیفتد، به تدریج، بانک ها هم باید زیرساخت خود را آماده کنند. معماری کیف پول به این صورت است که در بالا، سامانه جامع یا سوییچ کیف پول را داریم و سپس به بانک های عامل می رسیم که باید زیرساخت ایجاد کنند و در لایه پایینی، راهبران هستند؛ یعنی راهبران نمی توانند مستقیما به شاپرک متصل شوند بلکه باید از طریق بانک عامل متصل شوند. این امر بدین معناست که بانک های عامل باید زیرساخت را ایجاد کنند. **آیا با آیین نامه ای که شهر پور ماه سال گذشته ابلاغ شد، بدون مباحث فنی که به تازگی به حوزه بانکی ابلاغ شده، اگر می خواستید زود تر به کیف پول برسید، می توانستید به آن دست پیدا کنید یا خیر؟**

بخشی زاده: فکر می کنم پاسخ را دادم.

اگر منظور تان کیف پول کلوز لופ است، قبل از اینکه آیین نامه ابلاغ شود، سال ها قبل وجود داشت. منظورم کیف پول تعامل پذیری است که همه جا قابلیت استفاده داشته باشد.

بخشی زاده: قاعدتا این اتفاق نمی توانست رخ دهد چون هنوز سوییچ متمرکز کیف پول ایجاد نشده که ما بخواهیم این کار را انجام دهیم اما بعضی شرکت ها این تعامل پذیری را با یکدیگر برقرار کرده بودند و کسی هم جلوی آنها را نگرفت.

تعامل پذیری در کجا منظور تان هست؟ در شبکه پرداخت شهری؟

بخشی زاده: بله نمی خواستم اسم بیارم اما ببینید الان یک تعامل پذیری بین کیف پول اسنپ و آپ یا بین شرکت های پرداخت و ۱۴ NTT توسط محصول شاتوت وجود دارد و کسی هم نگفته چرا این کار را کردید.

این مورد، باز هم کلوز لופ است و فقط در پرداخت شهری می توانید از آن استفاده کنید. منظورم کیف پول واقعی است که عملا از کلوز لופ خارج شده و قابلیت استفاده در همه جا داشته باشد. از این موضوع بگذریم. جناب جوکار! نظرات شما را از دیدگاه اپراتورها در این میز گرد دنبال می کنیم. به نظر می رسد اختلاف نظر بین اپراتورها و شبکه بانکی ما برای همکاری مانسد آنچه در دنیا اتفاق می افتد، وجود دارد. بانکداری دیجیتال در دنیا، بر بستر تلفن همراه است اما در کشور ما، این همکاری اتفاق نیفتاده است؟ چرا؟

جوکار: بنده بیشتر از اینکه به دلایل آن بپردازم، فقط می توانم اظهارات شما را تصدیق کنم؛ به این دلیل که ما از



چشم انداز پولی و بانکی به قضیه نگاه نکردیم و یک طرفه به قاضی می رویم. اصلی ترین چالش را از مجموعه اپراتورها در لایه تعاملاتی و قواعد و قوانین می دانم. شاید اپراتورها از مسیری حرکت نکردند که بتوانند ارزش افزوده ای را به شبکه پولی و بانکی کشور اضافه کنند تا فضای همکاری های متقابل، معنادار و منطقی شکل بگیرد. شاید بیشتر در فضاهای سرمایه گذاری و سرمایه پذیری با تعادل در جریانات نقدی و خرید و فروش های عادی که عمداً بر پایه شارژ و بسته گردش مالی قابل توجهی که در اپراتورها تولید می شود، شکل گرفته است. نکته بعدی، ضعف بین رگولاتوری است. اساسا شاید رگولاتور حوزه ICT که گسترش این حوزه را در قالب سرعت اینترنت، سیم کارت، دسترسی پهنای باند و غیره ایجاد کرده، ننانواسته فرابخشی کند و در یک تعامل ساخت یافته و رو به جلو با رگولاتور صنعت بانکی به اشتراک بگذارد. البته بالعکس آن هم صادق است و هر دو طرف به توسعه سرمایه خودشان اقدام کرده اند. اگر چه تمام تلاش های چند سال اخیر، مانند سد در یک نقطه شکسته می شود و در بخش هایی هم این اتفاق افتاده است. اینکه اپراتورها در دنیا نقش کلیدی در توسعه روش های پرداخت ایفا می کنند، بیشتر از اینکه ریشه در رگولیشن، تکنیک و تکنولوژی داشته باشد، ریشه در نیاز بازار دارد و معتقدم ما با کندی و اعوجاج این مسیر را داخل کشور طی می کنیم و امیدوارم رویکردهایی که اپراتورها اتخاذ می کنند، منجر به تعامل ساخت یافته با اجزا و بازیگران اکوسیستم پولی و بانکی باشد و از این منظر توسعه آینده را هم شاهد باشیم.

به نظر می رسد آیین نامه سال گذشته داخل خود، مشکلاتی دارد. مهم ترین مشکل آیین نامه این است که به حوزه کسب و کار کیف پول و مباحث کارمزدی به طور مشخص نپرداخته است و فقط در یافت عددی از یوزر بابت صدور کیف الکترونیکی پول است اما درباره اینکه بانک ها می توانند کارمزد بگیرند یا خیر، رگولاتور موضوع را باز گذاشته و مشخصا به صورت دستوری ورود نکرده است. البته روی آن بحث خواهیم کرد که این رفتار رگولاتور درست بوده یا خیر. نقش آیین نامه را در تاخیر راه اندازی کیف پول چقدر موثر می دانید؟

بخشی زاده: آیین نامه یک بخش فنی دارد و بخش دیگر اسنادی است که سایر نهادهای مرتبط با رگولاتور تصمیم گرفته اند مانند نهادهای حقوقی، مبارزه با پولشویی و نظایر آن. مشکل جدی سند ضوابط فعالیت موسسات اعتباری کیف پول، بخشی است که در جدول سقف کیف الکترونیکی پول ذکر شده است. در اینجا سه سطح ۱، ۲ و ۳ مطرح شده است. سطح یک، برای افرادی است که صاحب خط موبایل به نام خودش نیست و از آن استفاده می کند. سطح ۲ برای افرادی است که مالک سیم کارت هستند و از آن استفاده می کنند و سطح ۳ برای کسانی است که یک سال فعالیت منظم داشته اند و اجازه داده که دست شان باز باشد. ما از پرداخت خرد صحبت می کنیم و عملا ابزار جدیدی برای پرداخت خرد در کشور ایجاد می کنیم. درست است نام آن را کیف الکترونیکی پول گذاشته ایم اما من آن را به عنوان ابزار پرداخت موبایلی می بینم؛ یعنی به ابزار های پرداخت، یک ابزار، اضافه کرده و راهکار های آن را هم ذکر می کنیم. چطور می شود این کیف پول، یک کیف پول فراگیر باشد اما محدودیت می گذاریم که هر تراکنش نباید بیش از ۲۰۰هزار تومان باشد و سقف مانده پول هم ۵۰۰هزار تومان بیشتر نباشد. این امر هیچ سنخیتی با معیشت مردم و تورمی که در کشور داریم، ندارد. واقعیت این است با مقاومت هایی که می بینم به این نتیجه می رسم شاید منافع بانک مرکزی به خطر می افتد که نمی گذار د این سقف باز شود چون می توانیم از مکانیزم های پیشرفته ای استفاده کنیم که جلوی پولشویی را بگیریم. این سقفی که در سند شاهد آن هستیم به هیچ عنوان پاسخگوی نیاز افراد و کاربران نهایی نیست و مشکل اساسی سند باید اصلاح شود تا شاهد کیف پول فراگیر باشیم. مورد بعدی، کارمزد است. در جلسات کارگروه، بحث کارمزد مطرح شد اما نظیر دوستان این بود که جایگاه مدل کارمزدی، در سند نیست و بعدا می تواند ابلاغ شود اما تا این لحظه، هیچ گونه سندی مبنی بر مدل کارمزدی این راهکار ابلاغ نشده و دست بانک ها را باز گذاشته اند تا خودشان مدل کارمزدی را در نظر بگیرند. این اتفاق باعث فراگیری کیف پول نمی شود. وقتی به صورت یکپارچه یک مدل کارمزدی منظم را برای همه ذی نفعان، مشخص و جایگاه هر کدام را در نظام کارمزدی تعیین نکنیم، چگونه می توانیم توقع داشته باشیم بستر پرداختی و ابزار پرداختی جدید فراگیر شود و تعامل پذیری به شکل واقعی رخ دهد و مشتری ترغیب شود کارت بانکی را کنار بگذارد و از پرداخت موبایلی استفاده کند.

آقای منصوری در گروه یک سوال ساده و جذاب مطرح کردند. در وضعیت فعلی، مِن مشتری، چرا باید کیف پول استفاده کنم؟

بخشی زاده: ما در حال ایجاد تنوعی برای ابزار های پرداخت هستیم. نباید مشتری را مجبور کنیم که برای مثلا پرداخت های زیر ۲۵هزار تومان، زیر ۱۰۰هزار یا



۲۰۰هزار تومان، حتما باید از این ابزار استفاده کند. از طرف دیگر، مشکلات کارمزدی و نظام‌های پرداختی را می‌دانیم و می‌خواهیم مشکل را کاهش دهیم. برای تنوع و سلیقه‌های مختلف، از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنیم. بنابراین هیچ اجباری وجود ندارد اما به عنوان ایجادکننده زیرساخت باید مشتری را تشویق کنیم که از این ابزار استفاده کند. ضمن اینکه با ضرب نفوذ تلفن‌های هوشمند، بسیاری افراد از روش‌های پرداخت موبایلی استفاده می‌کنند. چرا ما نباید این ابزار را کامل کنیم؟ چرا نباید هزینه‌های هنگفتی که درخصوص صدور کارت‌های بانکی و کارمزدهای سنگین که به شبکه پرداخت تحمیل می‌شود، کنترل و مدیریت کنیم؟ لذا در این مرحله ما یک روش و ابزار جدید برای مخاطب فراهم می‌کنیم که به نظم ابزار و روش خوبی است. در بخش دیگری به مدل کسب‌وکاری کیف پول هم می‌پردازم و اینکه چطور می‌توانیم مدل کسب‌وکاری آن را جذاب کنیم که تنوع بیشتری برای مخاطب داشته باشد.

شما به عنوان یک صادرکننده و فعال حوزه کیف پول، دوست دارید ابزار جدید به ابزارهای موجود اضافه کنید اما من مشتری باید به شکلی ترغیب شوم. فرض کنید کیف پول الان راه‌اندازی شده و در آن مشخص شده تا سقف ۲۰۰هزار تومان می‌توان کار کرد اما ۱۰هزار تومان خیر. بعد در مغازه خرید و بررسی می‌کنیم از کیف پول استفاده کنیم یا خیر؟ مبلغ خرید، بیشتر شده یا کمتر؟ وقتی عادت به استفاده از کارت داریم، کارت می‌کشیم. فارغ از این‌ها، در همان آیین‌نامه ابلاغ شده، آمده است به منابعی که در کیف پول‌ها رسوب شده، سود تعلق نمی‌گیرد و عملا منابع در آمدی برای بانک ایجاد نمی‌شود. وقتی کارمزدی وجود نداشته باشد، شما به عنوان صادرکننده کیف پول، چرا باید وارد بازاری شوید که نه مشتری استفاده می‌کند و نه در آمدی برای شما دارد، به‌خصوص الان که رایگان هم هست و اگر قرار است پولی هم بگیرد باید ببینید در وضعیت موجود که بقیه سرویس‌ها را بگان است، این سرویس چه جایگاهی دارد؟

بخشی‌زاده: اشاره کردید عادت مشتری به استفاده از کارت است. فرمایش شما صحیح است. زمانی عادت بود از پول نقد استفاده شود، بعد عادت شد از سرویس‌های خدمات کارتی استفاده شود، این موضوع هم نیاز به فرهنگ‌سازی دارد و این فرهنگ‌سازی را شرکت‌های PSP از طریق پذیرنده‌ها و سایر ذینفعان می‌توانند ایجاد کنند. الان حدود ۳۷۰، ۳۸۰ میلیون کارت بانکی صادر شده که عملا حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد این‌ها فعال هستند. معنایش این است که اکثر افراد از تعداد کارت‌های بانکی زیاد استفاده نمی‌کنند و بیشتر کارت‌ها، غیرفعال است و این‌ها حدود ۲۵۰۰، ۲۶۰۰ میلیارد تومان هزینه اضافی ایجاد می‌کند. در یکی دو سال اخیر، به خاطر کرونا شاهد این موضوع هستیم که آمار پرداخت‌های موبایلی افزایش پیدا کرده و بسیاری افراد به جای خرید حضوری و استفاده از کارت، به پرداخت‌های غیر حضوری روی آورده‌اند؛ یعنی کرونا به فرهنگ‌سازی پرداخت موبایلی کمک کرد. البته طبق اظهارات شما، اگر ما نظام کارمزدی صحیح ایجاد کنیم، یعنی کسانی که ذی‌نفع هستند اجازه بدهند مدل کارمزدی درست تعریف کنیم، برای فرهنگ‌سازی بسیار موثر است. شما اشاره کردید تنها چیزی که دیده شده، کارمزد برای صدور کیف پول است در حالی که صدور کیف پول هم کارمزد ندارد بلکه برای صدور مجدد، کارمزدی معادل صدور کارت بانکی در سنده دیده شده که صادرکننده کیف پول می‌تواند بگیرد و اجباری هم نیست و موضوع باز گذاشته شده است. اگر در نظام کارمزدی، این کارمزد‌ها، صحیح هدایت شود، همان‌طور که در دنیا اتفاق می‌افتد، در فرهنگ‌سازی این موضوع، موثر است. بانک به جای اینکه خودش کارمزد دریافت کند و از آن ارتزاق کند، خودش کارمزد پرداخت می‌کند و این امر هیچ سنسختی ندارد. پس کارمزد باید به سمت پذیرنده و کاربر نهایی سوق پیدا کند اما می‌توان این جذابیت را ایجاد کرد که اگر مشتری از کارت بانکی استفاده کرد، فلان کارمزد را بپردازد اما اگر از کیف پول و ابزار موبایلی استفاده کند، عدد کارمزد بسیار پایین‌تر است. این امر، گامی برای فرهنگ‌سازی است اما زمانی اتفاق می‌افتد که جدول سفت کیف پول افزایش پیدا کند که مشتری، به راحتی پرداخت خود را انجام دهد.

یادم هست سال گذشته هم‌زمان با ابلاغیه بانک مرکزی یک کنسرسیونم متشکل از چند بانک بزرگ که یکی از آنها بانک پارسیان است، برای راه‌اندازی کیف پول تشکیل شد که نام آن کنسرسیونم را به‌طور مشخص نفهمیدم اما می‌دانم مدیر عامل دارد و ثبت شرکت آن هم انجام شده است. گویا در کنسرسیونم بین سهامداران، اختلاف‌نظر جدی اتفاق افتاد زیرا با مشارکت شرکت خدمات انفورماتیک راه‌اندازی شده و ماهیت وجودی کنسرسیونم این بود که شرکت خدمات انفورماتیک نیز در این حوزه سهم داشته باشد با این واسطه که این کنسرسیونم، سوپیج تعامل‌پذیری به بانک مرکزی انجام دهد و اینکه آیا انحصار در آن وجود دارد یا خیر، نمی‌دانم و این موضوع را به شرکت خدمات انفورماتیک واگذار

کرده و همان‌طور که آقای بخشی‌زاده اشاره کردند سوپیج شات‌وت خریداری شده است. البته اینکه چطور شات‌وت بدون مناقصه خریداری شده جای سوال است، چون باید مناقصه برگزار می‌شد. البته نمایندگان شرکت خدمات و شات‌وت حضور ندارند اما این‌ها می‌توانند توضیح دهند که شات‌وت چطور وارد این پروژه شد و آیا مناقصه برگزار شد یا خیر یا به چه قیمتی دادند. در عین حال ماهیت اولیه که شرکت خدمات سوپیج تعامل‌پذیری را در این کنسرسیونم ایجاد کند، الان انحصار از سوی بانک مرکزی به شرکت خدمات سپرده شد و شاید حضور شرکت خدمات دیگر در این کنسرسیونم مفهومی نداشته باشد و به نظر می‌رسد اختلاف‌نظر همین‌جاست. لطفاً ما چرا را توضیح دهید.

توفیقی: البته بنده باید خاطر‌نشان کنم نام شرکت کنسرسیونم داده‌ورزی فرادیس است که ۲۰درصد هم شرکت خدمات در آن سهم دارد و عمدتاً تجارت الکترونیک‌های وابسته به بانک‌ها نیز سهامدار آن هستند. البته این شرکت فقط برای کیف پول ایجاد نشد بلکه برای توسعه همکاری بین بازیگران بازار در حوزه‌های پرداختی و بانکی ایجاد شد که کیف پول هم یکی از آنهاست. اختلافی بین سهامداران وجود ندارد چون ما تا کنون مدل‌های کسب‌وکاری به این شکل نداشته‌یم و تا این مدل ایجاد شود، نیاز به زمان دارد. پیشنهاددهنده این موضوع نیز خود گروه ملی انفورماتیک بوده و برای این موضوع پیشقدم شده است. حوزه آن، فقط پرداخت نیست بلکه بانکداری باز، احراز هویت و غیره نیز هست و درباره مدل کیف پول هم صحبت می‌شود و بعد از نتیجه‌گیری، اعلام و اجرا خواهد شد. بنابراین هنوز فضای روشنی نیست تا تصمیمات انجام شود. بانک مرکزی معتقد است این سوپیج، یک سوپیج حاکمیتی است. علت اینکه با شات‌وت قرارداد بستند این است که شات‌وت، زودتر این کار را کرده بود و همان‌طور که آقای بخشی‌زاده توضیح دادند بین تعدادی از کیف پول‌ها این سوپیج را ایجاد کرده بود از این رو برای سرعت بیشتر کار از طریق شات‌وت اقدام شد. اصرار بانک مرکزی این بوده که کار، سریع‌تر راه بیفتد و پنج شش ماه زمان صرف نشود که سوپیج دیگری نوشته و کار با تأخیر مواجه شود. البته امیدوارم بانک مرکزی به‌گونه‌ای عمل کند که علاوه بر منافع حاکمیتی، منافع بازیگران دیگر بازار را هم درنظر بگیرد.

آقای دکتر فرهاد فائز، مدیر عامل شرکت داده‌ورزی سداد را هم روی خط داریم. همین سوال را از ایشان دارم. در دنیای امروز که رگ‌تک‌ها تلاش می‌کنند مشکلات رگولتورها را به شکل دیگری حل کنند اینکه بانک مرکزی در تعامل‌پذیری ورود کند و سپس با توجیه اینکه این سرویس حاکمیتی است و باید نظارت کند، در اجرا نقش داشته باشد، درست است؟

فائز: شرایط بانکی و پرداختی مملکت ما با شرایط استاندارد دیگر دنیا، متفاوت است و ما نمی‌توانیم در این یک مقوله خودمان را با شرایط استاندارد بین‌المللی مقایسه کنیم و احیاناً نسخه‌ای که آنها برای خودشان پیچیدند، ما هم استفاده کنیم. با توجه به شرایط مملکت ما، هیچ راهی غیر از مدیریت و نظارت متمرکز بانک مرکزی در حوزه پرداخت نیست. در مملکت، مسایل و مشکلات متعددی مانند سایت‌های قمار و نقل و انتقال‌های پولشویانه قابل مشاهده است و بانک مرکزی طی سال‌های گذشته تلاش کرده با نظارت مستمر جلوی این کار را بگیرد. در زمینه کیف پول هم بانک مرکزی همین رویه را پیش می‌برد و با سوپیج یکپارچه و متمرکز قصد دارد این کار را به سرانجام برساند. بنده بعید می‌دانم این سوپیج بخواهد خارج از حوزه حاکمیتی بانک مرکزی اداره شود و آن کنسرسیونم نمی‌تواند این نقش را ایفا کند زیرا این نقش مانند سوپیج شتاب و شاپرک، حاکمیتی است و کسی در آن مشارکت نخواهد داشت و شرکت خدمات به نیابت از بانک مرکزی به صورت واحدین مسوولیت را دنبال خواهد کرد. اینکه در جای دیگری سهامدار است، می‌تواند مانند یک راهبر دیگر عمل کند.

آیا این روش را می‌پسندید که بانک مرکزی، این موضوع را به عنوان اینکه قرار است نظارت کند، متمرکز در اختیار بگیرد؟ هیچ راهکار دیگری وجود ندارد مثلاً این کنسرسیونم راه‌اندازی می‌کرد و دسترسی‌های نظارتی به رگولتور می‌داد؟

فائز: با توجه به سابقه گذشته و اینکه بانک‌ها روش‌های نظارتی خود را به سختی در اختیار نهادهای دیگر می‌گذارند، بعید می‌دانم بانک مرکزی زیر بار این روش برود و با توجه به شناختی که از شبکه بانکی و فرهنگ پرداختی کشور دارم، روش فعلی بانک مرکزی را بیشتر می‌پسندم تا اینکه نظارت بانک مرکزی به صورت نیابتی با گرفتن سرویس از شرکت‌ها و بانک‌ها انجام شود. من با روش فعلی موافق‌ترم.

البته حضر تعالی را زیاد درگیر این موضوع نکنیم چون شما در سمت رگولتور بانکی نیستید اما یک تناقضی وجود دارد. همین الان شبکه پرداخت شهری در حال فعالیت است و سوپیج آن هم در اختیار شهرداری است. حالا اینکه چطور آنجا حساسیت ندارد اما اینجا دارد، نمی‌دانم! فکر می‌کنم آنجا هم دسترسی نظارتی گرفته‌اند. اگر در پرداخت

شهری، بدون اینکه رگولتور وسط آن نشسته باشد، سرویس در حال کار است، به نظر می‌رسد در حوزه کیف پول هم می‌تواند این اتفاق بیفتد. کاش آقایان بودند و پاسخ می‌دادند.

فائز: بله کاش خودشان پاسخ می‌دادند اما در حال حاضر، سوپیج کیف پول‌هایی که در مملکت وجود دارد، از نظارت بانک مرکزی به دور است. بعید می‌دانم الان نظارت خالصی اتفاق بیفتد مگر اینکه اشکالات سنگینی مشاهده شود و بانک مرکزی ورود کند. بنابراین اگر تعدادی از کیف پول‌ها با هم لینک شدند و یک تعامل‌پذیری محدودی ایجاد کردند، به این معنا نیست که تحت نظارت هستند. کسی که این‌ها را به همدیگر وصل کرده، نظارت دارد اما نظارت آنها به معنی نظارت عالیه بانک مرکزی نیست.

آقای عماد ایرانی هم در گروه حضور دارند. اگر روی خط بیایند و توضیح دهند، ممنون می‌شوم. فکر می‌کنم از نظر فنی ایسن امکان وجود دارد که شات‌وت دسترسی به بانک مرکزی می‌داد و بانک مرکزی نیز به همان اندازه که شات‌وت دسترسی دارد، می‌توانست داشبوردهای نظارتی را هم داشته باشد بدون اینکه خودش ورود کند. جناب جوکار! با توجه به جایگاه اپراتورهای تلفن همراه و بستری که در اختیار دارند، تعداد مشترک بالا و دیتای ارزنده‌شان، می‌تواند یک اتفاق جذاب با همراهی صنعت پرداخت و اپراتورهای تلفن همراه در ایران رخ بدهد. به نظر شما، بهره‌گیری از اپراتورهای پرداخت خرد برای نظام بانکی، فرصت است یا تهدید؟ چون بانک‌ها نگران هستند که به سمت اپراتور بیایند و اپراتور به واسطه توانمندی، سهم این حوزه را بگیرد.

جوکار: سوال شما پیچیدگی ذاتی دارد اگر منافع بانک‌ها، متناظر منافع کاربران‌شان باشد، پاسخ این است که بدون شک فرصت است مگر اینکه منافع دیگری شکل گرفته باشد. من به عنوان کاربر شبکه ملی پرداخت عرض می‌کنم. در گروه هم دوستان یک ابهام بزرگ دارند که با نظام مستقر مبتنی بر کارت، کیف پول چه توفیقی دارد؟ کارت چه زمانی این قدر توفیق پیدا کرد و در رویه‌های جاری کاربران منتشر شد؟ دو مطلوبیت ایجاد شد: یکی توسعه شبکه پذیرندگان و نکته مهم‌تر، روش‌ها و متدهای اتصال این کارت به حساب‌های بانکی. وقتی درباره کیف پول صحبت می‌کنیم، در هر دو حوزه، یعنی هم اتصال کیف پول به زیرساخت‌ها و حساب‌های بانکی و هم شبکه پذیرندگان، دچار ابهاماتی هستیم که شاید وجود یک نقشه راه برای صنعت بانکداری کشور، بخشی از ابهام را رفع کند. به عنوان کاربر شاید همه تجربه کرده باشیم اوج روش‌های یکپارچه‌سازی بین کیف پول‌ها با ساختار بانکی، سرویس‌های اتصال و برداشت مستقیم از حساب است که تجربه چندان مناسبی برای کاربران در کل کشور نیست و افراد باید از مقداری سطح دانش و آگاهی برخوردار باشند و یک‌سری دسترسی‌ها برقرار شود تا بتوانند از خدمات با یک‌سری شرایط و ضوابط خاص استفاده کنند. درباره اینکه چرا نمی‌توانند این کار



اگر بخواهم صرفاً به یک دلیل اشاره کنم: مسایل کسب‌وکاری را دلیل اصلی عدم توفیق کیف پول می‌دانم. این مسایل نه تنها در کیف پول بلکه گریبانگیر کل سیستم بانکی مملکت است و باید یک روز اصلاح شود و هرچقدر زودتر اصلاح شود، رشد سیستم بانکی ما سریع‌تر رخ می‌دهد. به‌طور کلی در دنیا، بانک‌ها از درآمدهای غیرمشاع و کارمزدی ارتزاق می‌کنند اما در کشور این عده به ۵ تا ۱۰درصد بیشتر نمی‌رسد در حالی که در عرف بین‌المللی این عدد معکوس است و ۸۰ تا ۹۰درصد در آمد بانک‌ها، غیرمشاع است و کارمزد در درآمدهای غیرمشاع بسیار برجسته است؛ چیزی که در سیستم بانکی‌مان شاهد آن نیستیم. برای کسی که صاحب کارت بانکی یا پذیرنده است و از خدمات استفاده می‌کند اما هیچ کارمزدی پرداخت نمی‌کند، قطعاً انگیزه‌ای برای ورود به کیف پول وجود نخواهد داشت. اتفاقاتی که در حوزه کیف پول می‌افتد و حرکت‌هایی که توسط بانک‌ها و شرکت‌ها اتفاق می‌افتد، با نینم‌نگاهی به آینده کیف پول و اصلاح کارمزدی در کل مملکت قابل حل است تا بتواند فضای کاری کیف پول را فراهم کند. در این رابطه، مسایل فنی قطعاً قابل حل است و بازدارنده یا مانع کیف پول نیست. فقط مسایل کسب‌وکاری برجسته است که امیدوارم نسبت به آن، تعیین تکلیف شود. اگر کتایچه کیف پول را ملاحظه کنید، یک کتایچه کامل و مفصلی است که نمونه آن را قبلاً ندیده‌ام. این کتایچه، سند ۲۵۰ ۲۶۰ صفحه‌ای است که غلط املائی هم ندارد و از همه‌نظر، کامل و جامع نوشته شده و بسیار قابل توجه است اما در آن، غیر از یکی دو جمله کلی درباره کسب‌وکار کیف پول دیده نمی‌شود. در جایی اشاره شده برای صدور کیف پول باید کارمزد بگیرد و جای دیگری نوشته شده اگر بخواهید کارمزد بگذارید باید با دارنده کیف پول توافق کنید. فکر می‌کنم غیر از این دو سه جمله کوتاه، چیزی درباره کسب‌وکار آن نوشته نشده و بانک مرکزی باید در این حوزه، همت بیشتری به خرج دهد که اصلی‌ترین مانع کیف پول، از پیش‌روی این اکوسیستم برداشته شود.

شکل معادله صفر حل کند و کارمزد را از یک سید به سید دیگر منتقل نماید، این دفعه، ارزش دارایی‌هایش می‌تواند دستخوش تغییر شود. با این رویکرد، چالش بزرگ‌تری ایجاد می‌شود. در این شرایط، خارج از فضای PSP، یک کیف پولی را راه‌اندازی می‌کنیم. اینها ابتدا به ساکن در نقطه اتصال با بانک‌ها، دچار چالش بنیادین می‌شوند. این چالش، احراز هویت است. احراز هویت، مادامی که از منظر بانک‌ها، مصادف با افتتاح حساب یا هر شکل دیگری که در بازار در حال اجراست، تلقی شود، یک مانع کلیدی برای توسعه کیف پول سمت خریدار ایجاد می‌کند. بنده درباره سمت مر چند صحبت نمی‌کنم. امیدوارم تلاش‌ها در قالب QR با تلاش‌های چندگانه متفاوت، منجر به توسعه شبکه پذیرندگان شود کم‌اینکه شبکه پذیرندگان با تداوم کرونا، ماهیتاً دچار تغییراتی شد اما در سمت خریدار، زمانی می‌توانیم بگویم شبکه پرداخت مبتنی بر کارت در کشور غالب شده که توانستیم فلان قدر کارت صادر کنیم و فلان میزان مردمی که واجد شرایط شدند، این کارت را دارند اما با چه مکانیزم واحدی می‌توانیم احراز هویت دیجیتال انجام دهیم بدون اینکه نیاز به افتتاح حساب باشد. اینها محدودیت‌هایی است که برای آن هیچ قاعده و قانونی نوشته نشده و مجموعه‌هایی که در رگولیشن بانک نیستند نگران این هستند که مخالفت هم وجود داشته باشد؛ هرچند نوشته شده، رگوله شده و اعلام شده نیست و این فضای ابهام، به نوعی سرمایه‌گذاری را دچار چالش می‌کند. اینکه چرا ورود اپراتورها می‌تواند فرصت باشد دلیلش این است که اساساً وقتی در ترندهای جهانی هم نگاه می‌کنیم، اصلی‌ترین مشارکت‌ها در این حوزه، درباره موضوعات احراز هویت دیجیتال است. هرچقدر اپراتورها تمرکز خود را بر احراز هویت دیجیتالی بگذارند به‌نحوی که حداقلی از ابهام و نگرانی‌ها را رفع کند، سینرژی و مشارکت مثبت با نظام بانکی توسط اپراتور شکل می‌گیرد و باید منتظر گام‌های بعدی باشیم؛ کاری که در همراه اول در یک سال گذشته انجام شده است. ما تمرکز خود را بر کاربرانی گذاشتیم که در شبکه همراه اول پرتکرار هستند و سیم کارت دارند. این کاربران را به نوعی با احراز هویت دیجیتال open معرفی می‌کنیم و به آنها ولت‌آی‌دی یونیک می‌دهیم. اینک‌ها این ولت‌آی‌دی، چگونه می‌تواند شارژ و شارژ شود، در چه درآمدهای خود را به سوپیج تعامل‌پذیری یا غیر تعامل‌پذیری و در لوپ کلوز یا این بتواند فعالیت کند، موضوعاتی است که بدون شک اپراتور به تنهایی نمی‌تواند در این زمینه پیش برود و تعامل و سینرژی طرفین را می‌طلبد؛ مشروط بر اینکه نهاد رگولاتوری صنعت بانکداری در موضوعات احراز هویت دیجیتال، زمینه‌های یوپاتر و به‌روزتر که در دنیا وجود دارد، به رسمیت بشناسد، به نظرم اپراتورها همراه اول که گستره جغرافیایی‌اش به وسعت کل کشور است و دامنه کاربرانش هم زیاد است، می‌تواند این موضوع را تا حد قابل توجهی مرتفع کند.

امیدوارم با توضیحاتی که دادید، نظام بانکی نسبت به همکاری با اپراتورها بیشتر ترغیب شده و این نگرانی‌ها، تبدیل به فرصت شود و بتوانند از این فرصت استفاده کنند. برای اینکه بیشتر وقت آقای فائز را نگیریم، سوال بعدی را به عنوان سوال آخر از ایشان می‌پرسم. به عنوان فعال این حوزه، به نظر شما، مهم‌ترین دلیلی که کیف پول هنوز در کشور با نگرفته، چیست؟

فائز: اگر بخواهم صرفاً به یک دلیل اشاره کنم، مسایل کسب‌وکاری را دلیل اصلی عدم توفیق کیف پول می‌دانم. این مسایل نه تنها در کیف پول بلکه گریبانگیر کل سیستم بانکی مملکت است و باید یک روز اصلاح شود و هرچقدر زودتر اصلاح شود، رشد سیستم بانکی ما سریع‌تر رخ می‌دهد. به‌طور کلی در دنیا، بانک‌ها از درآمدهای غیرمشاع و کارمزدی ارتزاق می‌کنند اما در کشور این عده به ۵ تا ۱۰درصد بیشتر نمی‌رسد در حالی که در عرف بین‌المللی این عدد معکوس است و ۸۰ تا ۹۰درصد در آمد بانک‌ها، غیرمشاع است و کارمزد در درآمدهای غیرمشاع بسیار برجسته است؛ چیزی که در سیستم بانکی‌مان شاهد آن نیستیم. برای کسی که صاحب کارت بانکی یا پذیرنده است و از خدمات استفاده می‌کند اما هیچ کارمزدی پرداخت نمی‌کند، قطعاً انگیزه‌ای برای ورود به کیف پول وجود نخواهد داشت. اتفاقاتی که در حوزه کیف پول می‌افتد و حرکت‌هایی که توسط بانک‌ها و شرکت‌ها اتفاق می‌افتد، با نینم‌نگاهی به آینده کیف پول و اصلاح کارمزدی در کل مملکت قابل حل است تا بتواند فضای کاری کیف پول را فراهم کند. در این رابطه، مسایل فنی قطعاً قابل حل است و بازدارنده یا مانع کیف پول نیست. فقط مسایل کسب‌وکاری برجسته است که امیدوارم نسبت به آن، تعیین تکلیف شود. اگر کتایچه کیف پول را ملاحظه کنید، یک کتایچه کامل و مفصلی است که نمونه آن را قبلاً ندیده‌ام. این کتایچه، سند ۲۵۰ ۲۶۰ صفحه‌ای است که غلط املائی هم ندارد و از همه‌نظر، کامل و جامع نوشته شده و بسیار قابل توجه است اما در آن، غیر از یکی دو جمله کلی درباره کسب‌وکار کیف پول دیده نمی‌شود. در جایی اشاره شده برای صدور کیف پول باید کارمزد بگیرد و جای دیگری نوشته شده اگر بخواهید کارمزد بگذارید باید با دارنده کیف پول توافق کنید. فکر می‌کنم غیر از این دو سه جمله کوتاه، چیزی درباره کسب‌وکار آن نوشته نشده و بانک مرکزی باید در این حوزه، همت بیشتری به خرج دهد که اصلی‌ترین مانع کیف پول، از پیش‌روی این اکوسیستم برداشته شود.

بانکداری الکترونیکی



WWW.ICTNEWS.IR

البته همت بانک مرکزی که رفت! هر چند در عرصه انتخابات تلاش می‌کند رای بگیرد که خیلی بعید است اما همان‌طور که در آهنگ آقای محسن چاوشی در میان‌برنامه اشاره شد: «جان من است و هی زنبیدش!» بانک مرکزی در این ماجرا به موضوع کسب‌وکاری و به مهم‌ترین ضلع کیف پول که کارمزد است، اشاره صریحی نکرده و در حد دو جمله به آن پرداخته است. فکر می‌کنم با فضای موجود اصلاً اراده‌ای برای راه‌اندازی و توسعه کیف پول در کشور وجود ندارد. جناب دکتر توفیقی! اگر فرض بگیریم، مباحث فنی و آیین‌نامه‌ای آماده و کیف پول به صورت تعاملی در کل کشور قابل استفاده است، به عنوان سرویس گیرنده چه مزیتی وجود دارد که از کیف پول استفاده کنیم. وقتی کارت به عنوان سرویس رایگان در اختیار است، چرا باید از کیف پول استفاده کرد؟ نکته دیگر در حوزه کارمزدی این است که فرض کنیم توسعه کیف پول هم اتفاق افتاده باشد و مردم بیش از همان تراکنش‌های خردی که در شبکه شاپرک وجود دارد و ۹۰درصد را شامل می‌شود، از طریق کیف پول انجام می‌دهند. در این صورت سه نهاد، در آمدشان را از دست می‌دهند: یکی شاپرک که به هر میزان این تراکنش‌ها کاهش پیدا کند، در آمدش ریزش خواهد داشت، دوم شتاب که تراکنش‌های خرد خود را از دست خواهد داد و سوم PSPها. در اینجا تعارض منافع وجود دارد. بانک می‌گوید در حوزه پرداخت نظام کارمزد در وضعیت موجود، زیر فشار این کارمزد‌ها کم‌رش می‌شکند و تازه شاهد توسعه بانکداری الکترونیک و دیجیتال هم نیستیم و بانک‌ها متوقف هستند چون در صورت‌های مالی این موضوع را بیشتر به عنوان هزینه می‌بینند تا سرمایه‌گذاری. اگر بانک بگوید به سمت راه‌اندازی کیف پول برویم، همان بانسک، خودش PSP دارد و اگر کیف پول را توسعه دهد، چون تراکنش‌ها و درآمدهای PSP کاهش پیدا می‌کند، PSP به بانک فشار می‌آورد تا این اتفاق نیفتد و می‌گوید بگذارید همین بازار بزرگ که در اختیارمان است و رتبه و سهم بازار مناسب (خصوصاً رتبه ۱ تا ۵) و در آمد فیکس داریم، وارد ریسکی نشویم که درآمدها حذف شود. با راه‌اندازی کیف پول وارد فضایی شویم که مثلاً کسی برنده است که بیشترین تعداد دانلود را در اپلیکیشن داشته باشد. فکر می‌کنم آپ بیشترین دانلود را دارد و بعد از آن تاپ، سامان و سایر شرکت‌های پرداخت. اینجا این ریسک‌ها و تعارض منافع، ایجاب می‌کند بانک خودش سر یک دوراهی قرار بگیرد. با توجه به اینکه حضر تعالی هم نماینده هلدینگ بانک هستید و هم PSP دارید، چطور رفتار می‌کنید؟ اگر کیف پول راه‌اندازی شود، از یک‌سوم، هزینه‌های پرداخت کارمزد توسط شما کم می‌شود و از سوی دیگر درآمدهای شما در PSP کاهش پیدا می‌کند.

توفیقی: ورود به کیف پول دیجیتال، می‌تواند فصل جدیدی از خدمات الکترونیک باشد. سهولت بالا، امنیت بیشتر، انتقال سریع‌تر وجه، گزارش‌گیری و رصد بهتر تراکنش‌های مالی و مشوق‌هایی که روی کیف پول داده می‌شود، می‌تواند استفاده از کیف پول را رایج‌تر کند. نکته دیگری که اشاره کردید، هم درست است. ما از یک طرف در گروه داده‌پردازی پارسیان، هم بانک را داریم و هم PSP را. بانک، هزینه‌های را به‌سه خاطر وضعیت نظام کارمزدی متحمل می‌شود و از طرف دیگر PSP ما درآمدهای دارد که طبیعتاً بخش‌هایی از آن قسمت در درآمد دارد، از دست می‌رود و بخش‌هایی نیز هزینه می‌دهد، بنابراین خیلی برای ما تفاوتی نمی‌کند. بانک‌هایی که PSP ندارند، باید استقبال بیشتری از این حوزه داشته باشند. در حال حاضر که موانع کیف پول برطرف شده، بانک‌هایی که PSP دارند، نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند و بقیه می‌توانند این سرویس را راه‌اندازی و استفاده کنند. در اینجا، بحث مدل رقابتی مطرح می‌شود. هر راهبری بتواند سرویس بهتری بدهد، می‌تواند از منافع کیف پول که درباره آن صحبت می‌شود، بهره‌مند شود. درباره آپ مثال زده شد که کیف پول خود را توسعه داده و با پذیرنده‌ها مشارکت کرده و کسی هم مانع نشده است. اگر کسی سرویس خوبی بدهد و مشتری را جذب کند، می‌تواند این سرویس را بگیرد. بنابراین فکر نمی‌کنم توجیهی برای عدم توسعه بازار از سمت بانک‌هایی باشد که PSP دارند. بدیهی است PSPها هم نگران هستند و درباره آن فکر می‌کنند چون خودشان بالاخره به توسعه کیف پول وارد می‌شوند زیرا نمی‌خواهند مشتریان‌شان را از دست بدهند و دوست دارند صاحب منافع جدید شوند و بازار را گسترش دهند. در مجموعه ما، که هم PSP داریم و هم بانک، مشتری و راحتی سرویس مهم است و کیف پول با پرداخت‌های مبتنی بر آن برای ما، اصل نیست. اصل این است که مشتری راضی باشد و بهترین و باکیفیت‌ترین سرویس را با کمترین هزینه در اختیار وی قرار دهیم. بنابراین بازار ما را به سمتی می‌برد که این کار را انجام دهد. الان تجارت الکترونیک پارسیان، پوزهای خود را اپدیت کرده و QR داده و یک میلیون و ۲۰۰هزار پذیرنده را برای راه‌اندازی کیف پول خود آماده کرده‌است. بنابراین ما آماده

ادامه این مین‌گرد را در صفحه ۷ بخوانید.

در پایان با این سوال نتیجه گیری کرد: «این پروژه رمز ارز ملی خود اشی سال دیگر تراز چین آغاز کرد؛ تنها کارشناسان به کنفرانس های سیستم اکم مربوط به بلاک چین در این توجه می کنند؛ و آیا تو کیو واقعا این بابت رضایت دارد؟»

تحلیلگران مورگان استنلی گفته‌اند که

خبر جالب توجه راجع به بیت کوین، این بوده که السالوادور، اولین کشوری است

پیوتین همچنین در اجلاس سن پترزبورگ گفت روسیه استفاده از دلار را

زمانی که وزارت دارایی روسیه اعلام کرد مسکو تصمیمیاد دلار از ایالات متحده را فقط در ماه می از صندوق ثروت ملی روسیه فروخته، روبل در حال صندوق طی ماه آینده به صفر می رسد. این اقدام به عنوان بخشی از فعالیت بین کشور برای کاهش دلار در ذخایر ارزی خود و آسیب پذیری کمتر این

خبر

در بیانیه نظام صنفی رایانه‌ای عنوان شد در خواست از دولت جدید برای توجه به ICT

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای با اظهار امیدواری از اینکه ICT در برنامهریزی‌های دولت سیزدهم مورد توجه جدی قرار گیرد، از وزیر آینده ارتباطات خواست تا حرکت کشور به سمت تحول دیجیتال را تسریع کند. سازمان نظام صنفی رایانه‌ای در بیانیه‌ای با تبریک برپایی حماسه باشکوه انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب سیدابراهیم ریسی به عنوان سیزدهمین رئیس جمهور منتخب، اظهار امیدواری کرد که حوزه حیاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامهریزی‌های دولت سیزدهم مورد توجه جدی قرار گیرد.

در این بیانیه آمده است: «مردم عزیز و آگاه ما بار دیگر برای دفاع از ایران اسلامی، ارزش‌های انقلاب و لیبک‌گویی به مطالبه رهبر معظم انقلاب، در انتخابات ۲۸ خرداد پای صندوق‌های رأی آمدند و با خلق حماسه‌ای با شکوه، اقدامی ستودنی و تحسین‌برانگیز را در کارنامه خود ثبت کردند.

در این روز سرنوشت‌ساز، ملت شجاع و هوشیار ما با وجود همه مشکلات و گلایه‌ها، دوباره نشان دادند که تلاش مذبوحانه بدخواهان این آب و خاک برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی را ناکام خواهند گذاشت و اجازه نمی‌دهند سرنوشت آنها به دست دیگران رقم بخورد.

ثمره این همبستگی، برپایی حماسه‌ای با شکوه و انتخاب آیت‌ا... سیدابراهیم‌ریسی به عنوان سیزدهمین رئیس جمهور منتخب‌است که سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور (نصر)، به نمایندگی از خانواده بزرگ صنعت IT و کارگزار اصلی دولت و حاکمیت در حوزه فناوری اطلاعات، این پیروزی را به ایشان و همه مردم ایران عزیز تبریک می‌گوید.

حال و در طلیعه آغاز به کار دولت سیزدهم، همه برای عبور از سختی‌ها و مشکلات اقتصادی آماده می‌شویم و بدون شک، رأی بالای مردم به آیت‌ا... ریسیسی نیز پشتوانه‌ای بزرگ برای ایشان خواهد بود تا رییس جمهور منتخب، همت و توان مضاعف برای پاسخ دادن به مطالبه مهم معظم رهبری و تحقق شعار «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها» داشته باشد.

در این میان بخش خصوصی به عنوان نیروی خط مقدم جنگ اقتصادی و موتور پیشران توسعه کشور امیدوار است با روی کار آمدن دولت جدید، بستر مناسب‌تری برای تعامل و همکاری در اختیار داشته باشد تا بتواند تاثیرگذارتر از گذشته عمل کند. اعضای سازمان نصر کشور نیز همان گونه که تا به امروز از یک سو برای بهرهوری حداکثری از بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات تمام توان خود را به کار گرفته و از سوی دیگر سربازان خط مقدم جنگ سایبری بوده‌اند، اکنون نیز برای تقویت و توسعه اقتصادی کشور با تکیه بر صنعت فاوا آمادگی خود را اعلام می‌دارند و امید است این حوزه حیاتی، در برنامهریزی‌های دولت سیزدهم مورد توجه جدی قرار گیرد.

رجیستری، طرحی برای عدم انحصار طلبی‌ها



همزمان با انتشار خبر اجرای فاز دوم طرح رجیستری برای تجهیزات دارای سیم‌کارت، برخی از رسانه‌ها با انتقاد از این طرح، مدعی شدند که طرح رجیستری تنها در جهت تامین منافع دولت و تعداد محدودی از واردکنندگان بوده و تنها گرانی حاصل از اجرای این طرح، نصیب مردم خواهد شد.

این در حالی است که پیگیری‌ها نشان می‌دهد در حوزه واردات تلفن همراه و تبلت انحصاری وجود ندارد و شرکت‌های گوناگون می‌توانند با ارائه تعهد خدمات پس از فروش، تلفن همراه و تبلت به کشور وارد کنند؛ به‌طوری که از سال ۱۳۹۷ تاکنون تعداد شرکت‌های واردکننده موبایل از ۲۰ شرکت به ۵۰۰ شرکت افزایش یافته است.

در بخش دیگری از انتقادات مطرح شده نسبت به طرح رجیستری، این مساله عنوان شده که مردم با اجرای این طرح، از حقوق مسلم شهروندی خود محروم شدند و دیگر نمی‌توانند به صورت مسافری گوشی تلفن همراه به کشور وارد کنند. به نظر می‌رسد این ادعا نیز حقیقت ندارد و در حال حاضر هر مسافر کشورهای خارجی می‌تواند سالانه یک گوشی تلفن همراه با خود به کشور وارد کند و در صورت پرداخت حقوق ورودی، مانعی در جهت رجیستر این گوشی‌ها وجود ندارد.

البته با اعمال برخی محدودیت‌ها و اتخاذ برخی تدابیر همچون اتصال سامانه رجیستری تلفن همراه مسافری به سامانه گمرک و سامانه نیروی انتظامی، شناسایی مسافران واقعی امکان پذیر شده و مانند گذشته دیگر امکان سوءاستفاده از رویه واردات مسافری وجود نداشته و بساط خرید و فروش گذرنامه برای رجیستر کردن گوشی‌های قاچاق تا حدود زیادی برچیده شده است. با این حساب افراد نمی‌توانند در پوشش مسافرت خارجی، اقدام به قاچاق گوشی و واردات صدها گوشی به صورت چمدانی کنند.

● **آیا رجیستری قیمت موبایل و تبلت را افزایش می‌دهد؟**
برخی دیگر از افراد نیز ادعا می‌کنند که قیمت گوشی تلفن همراه در ایران به علت اجرای طرح رجیستری افزایش چشمگیری یافته و در مقایسه با دیگر کشورها گران تر است. این موضوع را می‌توان با مقایسه قیمت موبایل در بازار ایران با سایت‌های

● **ایجاد شفافیت در واردات موبایل با اجرای طرح رجیستری**

محمدرضا عالیان، مقام مسوول در انجمن واردکنندگان موبایل در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه اجرای طرح رجیستری یکی از طرح‌های بزرگ اقتصادی در دو دهه اخیر بوده است، گفت: با همدلی بخش خصوصی و دولت، شفافیت در حوزه واردات موبایل ایجاد و منجر به این شد که طی دو سال، قاچاق تلفن همراه به‌طور کامل از بین برود. او با رد ادعای مطرح شده در خصوص سود برخی از شرکت‌های خاص از اجرای طرح رجیستری، افزود: در حال حاضر حدود ۲۰۰ شرکت در انجمن واردکنندگان تلفن همراه عضو هستند و ۶۰۰ شرکت نیز مجوز واردات تلفن همراه و تبلت دریافت کرده‌اند.

● **تلاش قاچاقچیان برای عدم اجرای رجیستری موبایل‌واره‌ها**

عالیان با اشاره به قاچاق ۹۵ درصدی تبلت در کشور و تبعات آن گفت: قاچاق تبلت‌ها، دولت را از درآمد حاصل از دریافت مالیات و عوارض واردات محروم می‌کند و موجب خروج ارز از کشور می‌شود. علاوه بر آن در شرایط فعلی هیچ ضمانتی مبنی بر اصل بودن تبلت‌ها و سایر موبایل‌واره‌ها وجود ندارد. اما

باز هم کارمزد بدهد اما عدش خیلی کمتر شود.

مثلا اگر کارمزد با کارت ۱۵۰ تومان باشد، با کیف پول ۲۰۱۰ تومان باشد که جذابیت برای استفاده از آن اتفاق بیفتد. اینکه بانک مرکزی این اجازه را به بانک‌ها بدهد یک بحث است و اینکه بانک‌های موجود این مانیفست را امضا و اجرا کنند، مساله اصلی است. فکر می‌کنم اگر با وضعیت موجود، قرار به تفاهم از سوی بانک‌ها باشد، بانک‌هایی که سهم خوبی در PSPها دارند، قطعاً این مانیفست را امضا نمی‌کنند. پس تنها راه حل این است که بانک مرکزی، در این زمینه دستوری ورود می‌کند و دستوری را بر خلاف منافع خودش در شاپرک و شتاب، به خاطر منافع ملی، صادر و بانک‌ها را ملزم به اجرای روشی شبیه به این موضوع می‌کند.

نظر تان چیست؟
بخشی زاده: نکته مهم شما، درباره یکی از مشکلات عدم فراگیری کیف پول الکترونیک، تضاد منافع بین ذی‌نفعان است. شما به چند موضوع از جمله درآمدهای کارمزدی شرکت‌های PSP و بانک‌ها اشاره کردید که درست است. در بخش قبلی اشاره کردم این مدل کارمزدی، مشکل‌ساز است. جدول نرخ کارمزد از سال ۸۲ تا ۹۹ اصلاح نشد و سال ۹۹ اصلاح شد زیر قانون بانک‌های خصوصی، آن قدر هزینه‌های کارمزدی‌شان افزایش پیدا کرد که به‌گونه‌ای به بانک مرکزی اولتیماتوم دادند که اگر تا فلان تاریخ، نرخ کارمزدها را اصلاح نکنند، تراکنش‌های زیر ۱۰۰۰ تومان و در مقطعی زیر ۵۰۰۰ تومان را رد نمی‌کنند و این کار را انجام دادند. یادم هست ما در بانک دی، این مورد را اعمال کردیم. سپس در سال ۹۹، جدولی برای نرخ جدید کارمزدها ارائه شد. از سوی دیگر، رگولاتور مرتباً اعلام می‌کند بانک‌ها نازاری دارند و قیمت تمام‌شده پول، بالاست و بانک‌ها، نهاد خدماتی هستند که برعکس مدل بین‌المللی برای آنها در ایران عمل می‌شود. مدل کارمزدی ما، کاملاً متفاوت است؛ یعنی به یک بانک به عنوان نهاد خدماتی نگاه نمی‌کنیم و مدل کارمزدی را به عنوان درآمد غیرمشاع آن از جحیت می‌دهیم. همین امر موجب شده بانک‌ها سراغ کسب کارهایی می‌روند که هیچ ارتباطی با موضوع

کسب‌وکاری آنها ندارد و این فسادها و بدهکاران بزرگ بانکی از همین جانشات می‌گیرد. بنابراین باید این مسیر را توسط رگولاتور اعمال کنیم که تا کنون اتفاق نیفتاده است. موضوع دیگر اینکه شرکت‌های PSP نیز در این زمینه ضرر می‌کنند. من این موضوع را از دو منظر پاسخ می‌دهم. یک منظر رگولاتوری است که شرایط را محدود کرده است. ما ۱۲ شرکت PSP داریم و رگولاتور اجازه نمی‌دهد شرکت‌های دیگر مجوز بگیرند و همین امر موجب شده رانت ایجاد شود تا استفاده از شرکت‌های PSP، محدودیت خاصی ایجاد کند. بانکی که سهامدار یک شرکت PSP نیست باید عدد کاذبی را به عنوان ارزش ذاتی اسم و برند شرکت PSP پرداخت کند که معلوم نیست این عدد، چه مبنایی دارد و مشخص نیست آن شرکت PSP بتواند پاسخ‌های بانک را برآورده کند یا خیر. بنابراین یک بخش به رگولاتور برمی‌گردد که باید سد را بشکند و با ضوابط مشخص و منظم اجازه دهد شرکت‌های دیگری هم مجوز بگیرند و این موضوع بین همه ذی‌نفعان توزیع شود. نکته دیگر اینکه درست است که درآمدهای شرکت‌های PSP با راه‌اندازی کیف پول کاهش پیدا می‌کند اما اگر بخواهیم به سمت یک مدل فراگیر برویم، باید بپذیریم شرکت‌های PSP هم باید مدل کسب‌وکاری خود را تغییر دهند. اگر اشتباه نکنم الان حدود ۸ میلیون دستگاه کارت‌خوان داریم که طبق آمار شاپرک، حدود ده میلیون آن، غیرفعال است. این دو میلیون غیرفعال حدود ۴ تا ۵ هزار میلیارد تومان می‌شود که به جای هزینه شدن، می‌تواند برای فرهنگ‌سازی و زیرساخت‌های پرداخت خرد، صرف شود تا بتوانیم کیف پول فراگیر را داشته باشیم؛ یعنی لازم نیست شرکت‌های PSP برای همه تراکنش‌های‌شان از دستگاه کارت‌خوان استفاده کنند و این امر به معنای کاهش هزینه‌هاست. این کاهش هزینه می‌تواند کمک کند به پرداخت‌های موبایلی و خرد روی بیاورند و بستر را توسعه دهند.

● **به نکته درستی اشاره کردید. فقط امیدوارم شرکت‌های PSP و همه ذی‌نفعان بتوانند در این فضا، هر کدام نقش خود را ایفا کنند خصوصاً با توجه به هزینه‌هایی که می‌تواند با پرداخت‌های موبایلی کاهش پیدا کند مانند رول کاغذ،**

تنها راه توسعه کیف الکترونیکی پول، تغییر دستوری نظام پرداخت کارمزد است

می‌کند. همین که حساب واسطه در بانک عامل افتتاح می‌شود و سود به آن تعلق نمی‌گیرد، بدین معناست که منافع بانک عامل در اینجا لحاظ شده است.

● **آقای فرامری تذکر بجایی دادند. مصاحبه ایشان مربوط به سال ۱۹۹۶ است. آن موقع این آیین‌نامه، اصلاً ابلاغ نشده بود و پیشنهاد ایشان مبنی بر شرایط آن زمان بوده است. آقای عماد ایرانی هم گفته‌اند آقای افتاده یعنی بنده، مخالف بانک مرکزی اما در عین حال گاهی هم موافق رگولیشن سخت هستیم. باید عرض کنم آنجایی مخالف بانک مرکزی هستیم که به بخش اجرا ورود می‌کند. من موافق این هستیم که رگولاتور بانکی با قوانین سرسخت، هزینه تخلفات احتمالی را آن قدر برای بانک‌ها و شرکت‌های پرداخت بالا ببرد مانند کاری که رگولاتورها در دنیا انجام می‌دهند تا افراد اصلاح‌جرات نکنند به فکر تخلف بیفتند و درگاه قمار برزند یا اتفاقات دیگر. پس بنده موافق رگولیشن سخت هستیم به شرطی که به صورت استاندارد اتفاق بیفتد. برای من همچنان سوال است که چرا رگولاتور بانکی باید تعامل‌پذیری را خودش بر عهده بگیرد؟ این کار می‌توانست توسط خود بانک‌ها اتفاق بیفتد. اگر بانک‌ها به عنوان مالک کیف پول با راهبران وارد انعقاد قرارداد شوند، بانک مرکزی، بانک را می‌شناسد و راهبر نباید نفعی از سود حاصل از آن رسوب بسیاری از جاها مسئولیت بر عهده بانک است اما اینکه چرا رگولاتور بانکی به این موضوعات ورود می‌کند، متأسفانه آقایان حضور ندارند که پاسخ بدهند. بگذریم. آقای جوکار! اخیراً همراه اول با بانک‌ها وارد تعامل بیشتری شده و با بانک پارسیان، تجارت و یکی دو بانک دیگر، یک‌سری نشست‌ها برگزار و تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده که قرار شده همه با هم کار کنند. لطفاً بفرمایید الان در حوزه همکاری با بانک‌ها، در چه زمینه‌هایی تفاهم می‌کنید؟ آیا در این تفاهمات درباره ماجرای کیف پول هم صحبت‌هایی شده یا خیر؟**

برای مشاهده ادامه مطلب به سایت رجوع کنید

ادامه از صفحه ۵

هستم نقش‌مان را در این زمینه ایفا کنیم. امیدواریم با رفع ابهاماتی که در این میزگرد هم مشخص شد، بتوانیم سهم خوبی در این بازار کسب کنیم.

● **آقای عماد ایرانی هم در گروه، موضوع درستی را عنوان کرده‌اند. ایشان گفته‌اند اینکه با راه‌اندازی کیف پول، کاهش کارمزد پرداختی بانک‌ها اتفاق می‌افتد، نکته جذاب‌تر هزینه‌های کربن‌کینگ است که روی تراکنش‌های آنلاین، هزینه‌های زیرساختی زیادی را به بانک‌ها تحمیل می‌کند که با راه‌اندازی کیف پول آفلاین، کاهش هزینه‌ها می‌تواند اتفاق بیفتد. در وضعیت موجود، ذی‌نفعان ما چرا، یعنی سه ضلع شرکت خدمات، PSP و شاپرک، به خاطر اینکه با توسعه کیف پول منافع در آمدی خود را از دست می‌دهند، اگر مخالف نباشند، قطعاً راضی به توسعه کیف پول نخواهند بود. نکته دیگر اینکه به عنوان یک پوزر عادی که کارت و موبایل در دسترس وی است و سرویس سمت کارت هم رایگان است، چرا باید از کیف پول استفاده کند؟ بانک مرکزی که با توجه به اینکه در آیین‌نامه‌های خود چیزی را در حوزه کسب و کار اعلام نکرده، خودش را کنار کشیده و معتقد است بانک‌ها و بازار خودشان بحث کارمزد را جلو ببرند. در این رابطه، بانکی که PSP دارد و PSP هم جایگاه خوبی را در وضعیت موجود دارد است، قاعدتاً ریسک نمی‌کند که در آمد سمت PSP را در حال حاضر کاهش دهد و به سمت بازاری برود که معلوم نیست چه اتفاقی در آن می‌افتد. از طرف دیگر، اگر قرار باشد مثلاً بانک‌ها مانیفست را امضا کنند که تراکنش‌های زیر ۲۰۰ هزار تومان را روی کارت باز بگذارند، چنانچه مشتری برای پرداخت زیر ۲۰۰ هزار تومان، به سمت استفاده از کارت برود، کارمزد آن را خود مشتری یا پذیرنده پرداخت کند. همچنین برای اینکه مشکل پرداختی حل شود، ابزاری به نام کیف پول در اختیارش بگذاریم و در صورتی که با کارت پرداخت کند، کارمزد را خودش بدهد و در صورتی که با کیف پول پرداخت کند،**

